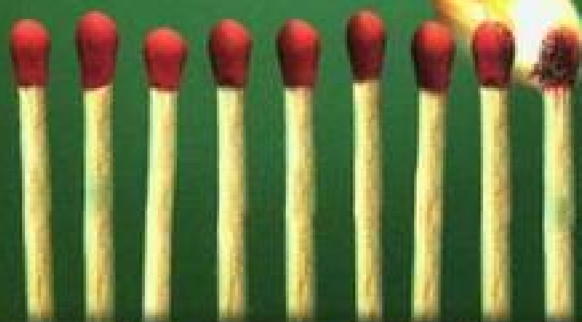
# شوم گناه
## و اثرات آن در زندگی



مؤلف: دکتر عبدالله بن محمد السدحان

مترجم: یوسف یوسفی زبوه

# شوم گناه

# واثرات آن در زندگی

مؤلف:

دکتر عبدالله بن محمد السدحان

مترجم:

یوسف یوسفی زیوه

| | |
|---|---|
| سرشناسه | : سدحان، عبدالله‌بن محمد. |
| عنوان قراردادی | : شوم المعصیه و اثره فی حیاه الامه من الکتاب و السنه. |
| عنوان نام پدیدآور | شوم گناه و اثرات آن در زندگی/ مولف: عبدالله‌بن محمد السدحان. مترج: یوسف یوسفی زیوه |
| مشخصات نشر | : سنندج؛ آراس ۱۳۹۲ |
| مشخصات ظاهری | : ۱۲۹ ص |
| شابک | : ۹۷۸-۶۰۰-۶۸۴۰-۳۱-۴ |
| فهرست‌نویسی | : فیپا |
| موضوع | : گناه (اسلام) جنبه‌های قرآنی، احادیث |
| شناسه افزوده | : یوسفی‌زیوه، یوسف ۱۳۶۰ مترجم |
| رده‌بندی کنگره | : ۱۳۹۲ ۹۰۴۱ش۴س/۶/BP۲۲۵ |
| رده‌بندی دیویی | : ۲۹۷/۴۶۴ |
| شماره کتابشناسی ملی | : ۳۱۵۸۹۶۷ |



انتشارات آراس

# شوم گناه و اثرات آن در زندگی

مؤلف: دکتر عبدالله‌بن محمد السدحان

مترجم: یوسف یوسفی‌زیوه

ناشر: آراس

طراح جلد: شعیب مکتب‌اری

نوبت چاپ: اول، زمستان ۱۳۹۳

تیراژ: ۲۰۰۰

قیمت: ۴۵۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۸۴۰-۳۱-۴

مرکز پخش: سنندج پاساژ عزتی انتشارات آراس

تلفن: ۰۸۷-۳۳۱۲۸۳۴۱

ایمیل: arasbooks73@gmail.com

وبلاگ: arasku.blogfa.com

# فهرست

عنوان | صفحه

## فصل چهارم: اموری بسیار خطرناک که انسان به نسبت آن بی‌توجهی می‌کند لکن آثار زشت و کریه آن بسیار سریع نمایان می‌شود



## فصل پنجم: آثار گناهان بر انسان



## فصل ششم: توبه و شرایط آن

## فصل هفتم: محوکننده‌ی گناهان



## فصل هشتم: کیفر گناهان هر چند که به تأخیر هم بیفتد واقع می‌شود



## فصل نهم: راه نجات شوم گناهان در چیست؟

## فصل دهم: اموری که پیامبرﷺ از آن‌ها نهی کرده است

# شوم گناه

# واثرات آن در زندگی

مؤلف:

دکتر عبدالله بن محمد السدحان

مترجم:

یوسف یوسفی زیوه

| | |
|---|---|
| سرشناسه | : سدحان، عبدالله‌بن محمد. |
| عنوان قراردادی | : شوم المعصیه و اثره فی حیاه الامه من الکتاب و السنه. |
| عنوان نام پدیدآور | شوم گناه و اثرات آن در زندگی/ مولف: عبدالله‌بن محمد السدحان. مترج: یوسف یوسفی زیوه |
| مشخصات نشر | : سنندج؛ آراس ۱۳۹۲ |
| مشخصات ظاهری | : ۱۲۹ ص |
| شابک | : ۹۷۸-۶۰۰-۶۸۴۰-۳۱-۴ |
| فهرست‌نویسی | : فیپا |
| موضوع | : گناه (اسلام) جنبه‌های قرآنی، احادیث |
| شناسه افزوده | : یوسفی‌زیوه، یوسف ۱۳۶۰ مترجم |
| رده‌بندی کنگره | : BP۲۲۵/۶/س۴ش۹۰۴۱ ۱۳۹۲ |
| رده‌بندی دیویی | : ۲۹۷/۴۶۴ |
| شماره کتابشناسی ملی | : ۳۱۵۸۹۶۷ |




انتشارات آراس

**شوم گناه و اثرات آن در زندگی**


**مؤلف:** دکتر عبدالله‌بن محمد السدحان

**مترجم:** یوسف یوسفی‌زیوه

**ناشر:** آراس

**طراح جلد:** شعیب مکتب‌اری

**نوبت چاپ:** اول، زمستان ۱۳۹۳

**تیراژ:** ۲۰۰۰

**قیمت:** ۴۵۰۰ تومان

**شابک:** ۹۷۸-۶۰۰-۶۸۴۰-۳۱-۴



**مرکز پخش:** سنندج پاساژ عزتی انتشارات آراس

**تلفن:** ۰۸۷-۳۳۱۲۸۳۴۱

**ایمیل:** arasbooks73@gmail.com

**وبلاگ:** arasku.blogfa.com

# فهرست

## فصل چهارم: اموری بسیار خطرناک که انسان به نسبت آن بی‌توجهی می‌کند لکن آثار زشت و کریه آن بسیار سریع نمایان می‌شود



## فصل پنجم: آثار گناهان بر انسان



## فصل ششم: توبه و شرایط آن

## فصل هفتم: محوکننده‌ی گناهان



## فصل هشتم: کیفر گناهان هر چند که به تأخیر هم بیفتد واقع می‌شود



## فصل نهم: راه نجات شوم گناهان در چیست؟

## فصل دهم: اموری که پیامبرﷺ از آن‌ها نهی کرده است

## تقریظ دکتر شیخ عبدالله‌بن عبدالرحمان‌بن جبرین

**الحمدُللهِ وَحدَه، و صَلّی الله و سَلَّم علی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ صَحبِه و بعد:**

کتاب «**شؤم المعصية و أثره في حياة الأمة من الكتاب و السنة**» تألیف برادر بزرگوار دکتر عبدالله‌بن محمد سدحان را مطالعه کردم، که در برگیرنده‌ی پندها، نصیحت‌ها و نقل قول‌های پربار از بزرگان دین می‌باشد و هدف خود را از تألیف این کتاب به نحو احسن بیان نموده است.

با توجه به ارتکاب مسلمانان به گناهان کبیره و مداومت بر آن و عدم توجه به عواقب ناگوار آن اقدام به تألیف این کتاب نموده است.

هیچ شکی نیست که گناه و نافرمانی سبب بی‌برکتی و عذاب از جانب خداوند متعال می‌گردد.

هم چنین بلاها و مصیبت‌هایی که امت‌های پیشین به آن مبتلا شدند همگی از کفر و شرک و اصرار بر گناهانی که مرتکب شده‌اند سرچشمه گرفته است که همین بی‌توجهی به گناهان سبب شده خداوند متعال بدون مهلت دادن، در همین دنیا به سزای اعمالشان برساند به طوری که سزای اعمال بد در آخرت سخت‌تر و ماندگارتر است.

خداوند متعال در مورد آنانی که در این دنیا به سزای اعمال خود

رسیده‌اند می‌فرماید: ﴿وَلَوْلَا أَنْ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْجَلَاءَ لَعَذَّبَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابُ النَّارِ﴾.[1]

«اگر خداوند ترک دیار را بر آنان مقدّر نمی‌کرد، در دنیا ایشان را به عذاب (سخت‌تر از اخراج) گرفتار می‌نمود. (بدا به حالشان! گذشته از این خفّت اخراج دنیوی) آنان در آخرت عذاب آتش دوزخ دارند».

با وجود شنیدن موعظه‌ها، پند و اندرزها و عبرت‌های گذشتگان، عدّه‌ی زیادی از مردم که به اسلام و مسلمان بودن افتخار می‌کنند باز هم بر انجام گناه و معصیّت پافشاری می‌کنند و به مانند انجام یک عمل نیک انتظار ثواب را دارند، که همگی از غرور، وسوسه‌ها و زیبا جلوه دادن‌های شیطان سرچشمه می‌گیرد.

وظیفه‌ی هر مسلمانی است که به سوی پروردگار خویش باز گردد و اعمال و کردار خود را اصلاح نماید و به نسبت اعمالی که در گذشته انجام داده است توبه کند. تنها خداوند متعال است که توبه را از بندگانش قبول می‌کند و از گناهان چشم‌پوشی می‌نماید.

وصلی الله علی سیدنا محمد و آله و صحبه و سلم.

---

۱. حشر/۳.

## مقدمه‌ی مترجم

الحَمْدُ لله حقّ حمده، و الصلاة و السلام علی نبیهِ وَ عَبدِه، و علی آلِهِ وَ صَحْبِهِ وَ وَفْدِه.

پروردگار جهانیان عقل را در انسان به ودیعه نهاده است تا با آن راه نیک و شرّ را تشخیص دهد، راه ایمان و طریق حق را بشناسد و تمدنی ربّانی بر اساس دانش و تقوا بسازد.

انسان همواره باید به خاطر داشته باشد که مرگ دیر یا زود به سراغ وی می‌آید فرد عاقل قبل از این که مورد محاسبه و بازخواست قرار گیرد خود را محاسبه و بازخواست می‌کند تا مبادا مرتکب نافرمانی ربّ العالمین گردد و شوم گناهان در این دنیا دامن‌گیر وی شود و زندگی بی‌برکتی را سپری کند. علت اصلی ناراحتی‌ها و مشکلاتی که امروزه مشاهده می‌کنیم همگی ناشی از نحوست گناهانی است که مرتکب شده‌ایم و به نسبت آن‌ها بی‌توجهی می‌کنیم.

اما باز هم لطف و کرم پروردگار در حق مخلوقاتش بسیار زیاد است که اگر فرد توبه کند از گناهانش چشم‌پوشی می‌کند.

ربّ العالمین می‌فرماید: ﴿وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا

ثُمَّ اهْتَدَى﴾.[1]

«من قطعاً می‌آمرزم کسی را که برگردد و ایمان بیاورد و کارهای شایسته انجام دهد و سپس راهیاب شود (این راه را تا آخر زندگی ادامه دهد)».

پس سعادت دنیا و آخرت در فرمانبرداری خداوند متعال و دوری از گناهان می‌باشد.

از ربِّ العالمین مسألت دارم که همگی ما را به راه راست رهنمون فرماید و مورد رحم و کرم خویش قرار دهد.

۲۶ جمادی‌الاولی ۱۴۳۴ هـق ۱۳۹۲/۱/۱۸ ـ مهاباد

یوسف یوسفی‌زیوه

---

۱. طه/۸۲.

## مقدمه‌ی مؤلف

**إنّ الحَمْد لله نَحمده و نستعينه و نستهديه، و نعوذ بالله مِن شرور أنفسنا و سيّئات أعمالنا، مَن يهده الله فلا مُضِلّ له، و مَن يضلل فلا هادي له، و نصلّي و نسلّم على نبيّنا محمد الرّحمة المهداة، أرسله الله على حين فترة من الرسل، فهدى به إلى أقوم الطّرق و أوضح السّبل، ففتح الله به أعيناً عمياً و آذاناً صمّاً، و قلوباً غلفاً و بعد:**

چه بسیارند از مردم که از بی‌رحمی، بی‌برکتی، وسوسه‌های شیطان و مشغول بودن به دنیا و فراموش کردن دین شکایت می‌کنند و از فرموده‌ی خداوند متعال غافل هستند. **﴿وَلا تَحْسَبَنَّ اللهَ غَافِلاً عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ﴾**.[1]

«(ای پیغمبر) گمان مبر که خدا از کارهایی که ستمگران می‌کنند بی‌خبر است».

میمون‌بن هارون رحمه الله می‌گوید: که این آیه یک نوع تسلیت و دلداری برای فرد مظلوم و تهدیدی برای فرد ظالم است».

ابراهیم‌بن أدهم رحمه الله می‌گوید: «ما از ذریّه و نسل بهشت هستیم که شیطان با گناه و نافرمانی ما را فریفت سبب اخراجمان از بهشت

---

۱. ابراهیم/۴۲.

شد و شایسته‌ی انسان گناهکار است تا زمانی که به وطن خود برنگردد (و از گناهان توبه نکند) لذت زندگی کردن را نمی‌چشد».

پس بنابراین نحوست و ثمره‌ی گناه همین است. خداوند عزوجل می‌فرماید: ﴿أَفَنَجْعَلُ الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ * مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ﴾.[1]

«آیا فرمان‌برداران را هم چون گناهکاران یکسان می‌شماریم؟! شما را چه می‌شود؟! چگونه داوری می‌کنید».

خداوند عزوجل می‌فرماید: ﴿أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ نَجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَوَاءً مَحْيَاهُمْ وَمَمَاتُهُمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ﴾.[2]

«آیا کسانی که مرتکب گناهان و بدی‌ها می‌شوند، گمان می‌برند که ما آنان را هم چون کسانی به شما می‌آوریم که ایمان می‌آورند و کارهای پسندیده و خوب انجام می‌دهند، و حیات و ممات دنیا و آخرتشان یکسان می‌باشد؟ (اگر چنین بیندیشند) چه بد قضاوت و داوری می‌کنند!!».

خداوند عزوجل می‌فرماید: ﴿أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ﴾.[3]

«آیا (با حکمت و عدالت ما سازگار است) کسانی را که ایمان

---

۱. قلم/۳۶-۳۵.

۲. جاثیه/۳۶-۳۵.

۳. ص.۲۸.

می‌آورند و کارهای شایسته انجام می‌دهند، هم چون تباهکاران (و فسادپیشگان در زمین) به شمار آوریم؟ و یا این که پرهیزگاران را با بزهکاران برابر داریم؟».

شیخ‌الاسلام ابن‌تیمیه رحمه الله می‌گوید: «معصیت، فرد گناهکار را وادار به پیروی از هوی و هوس نموده و دچار غفلت می‌نماید. که پایه و اساس آن شرّ و فتنه است».

خداوند عزوجل می‌فرماید: ﴿وَلا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا﴾.[1]

«و از کسی فرمان مبر که (به خاطر دنیا دوستی و آرزوپرستی) دل او را از یاد خود غافل ساخته‌ایم، و او به دنبال آرزوی خود روان گشته است (و پیوسته فرمان یزدان را ترک گفته است) و کار و بارش (همه) افراط و تفریط بوده است».

هرگاه هوی و هوس با جهل و نادانی همراه باشد انسان مرتکب گناه می‌گردد. در صورتی که پی ببرد که هوی و هوس به او ضرر می‌رساند، نفس خویش را از آن برحذر می‌دارد.

یکی از اصحاب پیامبر ﷺ می‌گوید: «هر کس که نافرمانی خداوند متعال را انجام می‌دهد جاهل است».

پس جهل و نادانی به عنوان عذر از فرد گناهکار قبول نمی‌شود. بر هر فردی لازم است که به عواقب و تأثیر شوم گناه در دنیا آخرت، فکر کند.

---

۱. کهف/۲۸.

فرد گناه‌کار هنگامی که مرتکب معصیّتی می‌شود، نافرمانی چه کسی را کرده است؟! نافرمانی خداوند متعال را کرده است!

بلال‌بن سعد رحمه الله می‌گوید: «به صغیره بودن (کوچک بودن) گناه نگاه نکن، بلکه به بزرگی آن ذاتی نگاه کن که نافرمانی او را می‌کنید».

بی‌توجهی و سهل‌انگاری مسلمانان به نسبت گناهان سبب شد که این کتاب را با چنین عنوانی تألیف کنم. متأسفانه مسلمانان امروزی تصوّر می‌کنند که تنها توبه کردن در محو گناهان کفایت می‌کند!

ابن‌قیّم رحمه الله می‌گوید: «گناهان، جراحت و زخم‌هایی هستند و چه بسا ممکن است که جراحت‌ها سبب هلاکت گردند».

به خدا قسم تنها با زبان گفتن توبه، کفایت نمی‌کند؛ بلکه توبه باید همراه پشیمانی و ترس از خدا و طلب مغفرت از خداوند متعال باشد. همراه با انجام اعمال نیک و پسندیده می‌توان به درجه‌ی مقربان و نجات‌یافتگان رسید.

خداوند عزوجل می‌فرماید: ﴿إِلا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلاً صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللهُ غَفُوراً رَحِيمًا﴾.[1]

«مگر کسی که توبه کند و ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد. که خداوند (گناهان چنین کسانی را می‌بخشد و) بدی‌ها و گناهان (گذشته‌ی) ایشان را به خوبی‌ها و نیکی‌ها تبدیل می‌کند، و خداوند

۱. فرقان/۷۰.

آمرزنده و مهربان است (و نه تنها که سیئات را می‌بخشد، بلکه آن‌ها را تبدیل به حسنات می‌نماید».

خداوند عزوجل می‌فرماید: ﴿وَمَنْ تَابَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَإِنَّهُ يَتُوبُ إِلَى اللهِ مَتَابًا﴾.[۱]

«(آخر) کسی که توبه کند و کار شایسته انجام دهد، کاملاً به سوی خدا باز می‌گردد (و تبدیل سیئات به حسنات تعجّبی ندارد، زیرا که خدا بی‌مثال، و پاداش خدا بی‌حساب و دریای مهرش بی‌کران است)».

پس ای برادر مسلمان: هرگاه به سوی گناه تمایل پیدا کردی، و در آن فکر کردی و تصمیم به انجام آن نمودی به بخش‌های کتاب «شؤم المعصية» رجوع کن و عظمت و فضل و برتری پروردگارت را به یاد بیاور، که این همه نعمت‌ها، صحّت، سلامتی و... را بر تو ارزانی نموده است. در حالی که تو در مقابل این همه نعمت‌ها اقدام به انجام معصیت می‌نمایی. ای برادر بزرگوار، اعمال نیک و بد را مقایسه کن گناه تنها لذّتی چند لحظه‌ای است و بعد از چند لحظه لذّت از بین می‌رود. امید است که هوشیار شوی و از انجام آن خودداری نمائی. لذتی که عاقبت آن دوزخ باشد سودی ندارد.

از خداوند متعال می‌خواهم که همگی ما را از هر کار ناپسندی محفوظ گرداند.

پروردگارا! در تمام احوال اعمالمان را نیک بگردان و راه رسیدن

---

۱. فرقان/۷۱.

به خود را برایمان آسان گردان، و ما را به راه راست هدایت گـردان و در دنیا به ما نیکی رسان و در آخرت نیز به ما نیکی عطـا فرمـا و سرای آجل و عاجل ما را خوش و خرّم گـردان و مـا را از عـذاب آتش دوزخ محفوظ نگه دار، که تو بسیار آمرزنده‌ای.

و صَلَّ اللهُ علی نبینا محمد و علی آله و صحبه.

ابومحمد عبدالله‌بن محمدبن عبدالرحمن السدحان
اول ماه مبارک رمضان ۱٤۲۱ هجری

## پیشگفتار مؤلف

### منشأ و پیدایش گناه

اولین گناهی که در آسمان موجب نافرمانی از دستورات خداوند متعال شد حسادت ابلیس در حق آدمعليه‌السلام بود، به طوری که غرور و تکبر او مانع سجده بردنش برای آدمعليه‌السلام گشت.

بعد از آن نافرمانی آدم و همسرش حوا بود، که تشویق ابلیس - لعنت خدا بر او ـ سبب گردید درختی که خداوند آن‌ها را از خوردن آن نهی کرده بود، از آن بخورند. پس از آن آدم و حوا توبه نمودند و خداوند توبه‌ی ایشان را قبول کرد. چرا که ترک گناه در نزد خداوند بزرگ‌تر و با ارزش‌تر از انجام معصیتی است که از آن نهی شده است.[1]

خداوند عزوجل آدمعليه‌السلام را از خوردن درخت میوه نهی کرد. اما فرمان خداوند را اطاعت ننمود و از آن درخت خورد اما بعداً به بارگاه حق رجوع کرد و توبه نمود ولی ابلیس از دستور خداوند متعال که سجده برای آدمعليه‌السلام بود، امتناع ورزید و به درگاه خداوند توبه نکرد در حالی که خداوند متعال توبه‌پذیر و مهربان است.

---

۱. أدب الدنیا و الدین للماوردی ۲۶۰.

خداوند عزوجل می‌فرماید: ﴿وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى﴾.[1]

«من قطعاً (با غفران عظیمی که دارم) می‌آمرزم کسی را که (از کفر و گناه خود) برگردد و (به بهترین وجه) ایمان بیاورد و کارهای شایسته بکند و سپس راهیاب بشود (و این راه را تا آخر زندگی ادامه دهد)».

پس بنابراین منشأ و سرچشمه‌ی ارتکاب عملی که خداوند از آن نهی کرده است امیال و آرزوهای درونی می‌باشد. اما ترک نکردن عملی که خداوند به ترک آن دستور داده است از غرور و تکبر فرد ناشی می‌گردد و کسی که ذره‌ای از غرور و تکبر در قلب او وجود داشته باشد (مانند غرور و بلند آوازی ابلیس به نسبت سجده بردن برای آدم) وارد بهشت نمی‌گردد. اما کسی که اهل توحید و یکتاپرستی باشد هر چند که زنا و دزدی کرده باشد خداوند بنا به رحمت خویش او را وارد بهشت می‌گرداند.[2]

پس هر کسی دستورات خداوند عزوجل مانند نماز و روزه و... را ترک کند بدون شک در معرض خطر بسیار بزرگی قرار دارد.

---

۱. طه/۸۲.

۲. الفوائد ابن قیم ۲۰۵.

## نافرمانی آدم و حوا بر نسلشان چه اثراتی بر جای گذاشت؟

ابوهریره ﷺ روایت می‌کند که رسول اکرم ﷺ فرمود: «لَوْ لا حَـوَّاءُ لَمْ تَخُنْ أُنثي زَوجَها الدَّهر».[1]

«اگر حوا نمی‌بود، هیچ زنی به شوهرش، هرگز خیانت نمی‌کرد».

«مقصود از خیانت در این‌جا این است کـه شـیطان، درخـت را برای حوا مفید جلوه داد او نیز به نوبه‌ی خود آن را برای آدم خوب جلوه داد، و زنان نیز که مادرشان حوا است در پذیرش وسوسه‌های شیطان به مادرشان شـباهت دارنـد؛ در نتیجـه مـردان بایـد صبر و حوصله داشته باشند و زنان نیز در جهـت اصـلاح خـویش تـلاش نمایند».

ابوهریره ﷺ روایت می‌کند پیامبر ﷺ می‌فرماید: «لـَمّـا خَلَقَ اللهُ آدَمَ مَسَحَ ظَهرَهُ، فَسَقَطَ مِن ظَهرِهِ كُلُّ نَسَمَةٍ هُوَ خالِقُها مِن ذُرِّيَّتِهِ إلـى يَـومِ القِيامَةِ، وَ جَعَلَ بَينَ عَينَيْ كُلَّ إنسانٍ مِنهُم وَبيصاً مِن نورٍ، ثُمَّ عَرَضَـهُم عَلى آدَمَ، فَقالَ: أَيْ رَبِّ! مَن هَؤُلاءِ؟ قال: هؤُلاءِ ذُرِّيتُكَ، فَرأى رَجُـلاً مِنهُم فَأَعجَبَهُ وَبيصُ ما بَينَ عَينَيهِ، فَقالَ: أَيْ رَبُّ مَن هذا؟ فقـالَ: هَـذا رَجُلٌ مِن آخِرِ الأُمَمِ مِن ذُرِّيَّتِكَ يُقالُ لَهُ داوُدُ، فَقالَ: ربِّ وَ كَمْ جَعَلْـتَ عُمْرَهُ، قال سِتِّينَ سَنَةً، قال: أيْ ربُّ زِدْهُ مِن عُمرِي أَربَعـِينَ سَـنَةً، فلَمّا انقَضى عُمْرُ آدمَ جاءَهُ مَلَكُ المَوْتِ فَقالَ: أَو لَمْ يَبْقَ مِنْ عُمـرِي أربَعُـونَ سَنَةً؟ قال: أَوَ لَمْ تُعطِها ابنكَ داوُدَ؟ قَالَ: فَجحدَ آدمُ فَجَحَـدَتْ ذُرِّيَّتُـهُ و

---
[1] ۱. مسلم، مختصر صحیح مسلم از منذری ۸۶۴، ص۲۱۹.

نُسِّيَ آدَمُ فَنُسِّيَتْ ذُرِّيَّتُهُ وَ خَطِيءَ آدَمُ فَخَطِئَتْ ذُرِّيتُهُ».[1]

«هنگامی که خداوند متعال آدم‌ﷺ را خلق کرد پشت آدم‌ﷺ را مسح کرد و از پشت آدم تمام جان‌هایی که خداوند آن‌ها را تا روز قیامت از نسل آدم خلق می‌کند فرو افتادند و خداوند متعال در مقابل (پیشانی) هر انسانی از آنان پرتوی از نور قرار داد. سپس خداوند متعال آنان را به آدم‌ﷺ نشان داد آدم‌ﷺ گفت: پروردگارا اینان چه کسانی هستند؟ خداوند متعال فرمود: اینان فرزندان تو هستند. آدم‌ﷺ در میان ایشان مردی را دید که درخشش پیشانیش او را شگفت زده کرد. آدم‌ﷺ گفت: پروردگارا این کیست؟ خداوند متعال فرمود این مردی از آخرین امتهاست و از فرزندان تو می‌باشد که به او داوودﷺ می‌گویند آدم‌ﷺ گفت: پروردگارا عمرش را چقدر قرار داده‌ای خداوند متعال فرمودند شصت سال آدم‌ﷺ گفت: پروردگارا از عمر من چهل سال به عمر او اضافه کن. آدم‌ﷺ گفت: آیا از عمر من چهل سال باقی نمانده است (هنوز چهل سال از عمرم باقی مانده است). ملک‌الموت گفت: آیا از عمرت چهل سال به فرزندت داوودﷺ نبخشیدی آدم‌ﷺ انکار کرد پس فرزندانش هم انکار کردند و آدم‌ﷺ فراموش کرد و فرزندانش هم فراموش کردند و آدم‌ﷺ به اشتباه و خطا رفت و فرزندانش هم به خطا و اشتباه رفتند».

اولین گناهی که در زمین موجب نافرمانی خداوند شد حسادت

۱. صحیح الترمذی آلبانی،۵۳/۳.

قابیل در حقّ برادرش هابیل بود که سبب شد برادرش هابیل را به قتل برساند.

عن الأعْمَشِ عَن عَبدِالله بْنِ مُرَّةَ عَن مَسْرُوقٍ عَن عَبدِالله بْنِ مَسْعُودٍ﷛ قال: قال النَّبِيُّ ﷺ «ما مِن نَفْسٍ تُقتَل ظُلماً إلاّ كانَ عَلى ابنِ آدمَ الأوَّلِ كِفلٌ مِنها، ذلِكَ بِأنّه أوَّلُ مَنْ سَنَّ القَتْلَ».

عبدالله‌بن مسعود﷛ از پیامبر ﷺ روایت می‌کند که فرمودند: هر انسانی که به ظلم کشته می‌شود جزئی از گناه آن قتل بر دوش قابیل می‌باشد (قابیل در آن قتل سهیم خواهد بود) چرا که اولین کسی بود که این روش زشت و قبیح قتل را بنیان نهاد.

به سبب شوم بودن گناه، هر کس فردی را به ناحق بکشد جزئی از گناهش به قابیل می‌رسد».[1]

---

۱. فتح‌الباری ۱۹۸/۱۲ شماره‌ی حدیث ۶۸۶۷.

## فصل اول: اسباب گناهان

برای مرتکب شدن گناهان اسباب و مسبباتی وجود دارد که ابن‌قیم‌رحمه‌الله در سه مورد آن‌ها را خلاصه کرده است.

الف) دلبستگی به غیر خداوند متعال که سرانجام به شرک منتهی می‌گردد.

ب) تند مزاج بودن که در نهایت سبب ظلم و ستم در حق دیگران می‌شود.

ج) فرمانبرداری از قوه‌ی شهوانی که سبب کردار و گفتار زشت می‌گردد.

پس غایت دلبستگی به غیر خدا شریک و همتا قرار دادن برای اوست.

و سرانجام تند مزاج بودن قتل می‌باشد.

و در نهایت پیروی از هوی و هوس سر کشیدن به زنا است.

پس بنابراین خداوند متعال اسباب گناه را در این آیه بیان نموده است که می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ لا يَدْعُونَ مَعَ اللهِ إِلَهًا آخَرَ وَلا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللهُ إِلا بِالْحَقِّ وَلا يَزْنُونَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا﴾.[1]

---

۱. فرقان/۶۸

«و کسانیند که با الله، معبود دیگری را بـه فریـاد نمـی‌خواننـد و پرستش نمی‌نمایند. و انسانی را که خداوند خـونش را حـرام کـرده است، به قتل نمی‌رسانند مگر به حق و زنا نمی‌کننـد. چـرا کـه هـر کس (یکی از) این (کارهای ناشایست شرک و قتل و زنا) را انجـام دهد، کیفر آن را می‌بیند».

پس هر یک از اسباب سه گانه سبب منجـر شـدن بـه یکـدیگر می‌گردند چنان چه شرک منجر به ظلم و کردار زشت مـی‌گـردد، و اخلاق و یکتا پرستی سبب دوری از ظلم و ستم و فحشا می‌گردد».[1]

به خدا قسم، تسلط بی‌رحمانه‌ی کافران بر سر مسـمانان همگـی ناشی از گناهان و نافرمانی مسلمانان در حق خداوند متعال می‌باشد. به واقعیت عده‌ی زیادی از مسلمانان به اسباب و مسبباتی کـه بیـان کردیم مبتلا هستند که همگـی ناشـی از شـومی و عواقـب گناهـان می‌باشد و لا حَولَ وَ لا قُوَّةَ إلاّ بالله.

۱. الفوائد لابن القیم ۱۳۹ـ۱۳۸ با اندکی تغییرات.

## فصل دوم:

# آثار گناه در امت‌های پیشین

### یوسف‌

امام حسن از پیامبر روایت می‌کند که فرمودند: رحمت خدا بر یوسف باد اگر به یکی از آن دو کس که همراه او در زندان بودند نمی‌گفت ﴿اذْكُرْنِي عِنْدَ رَبِّكَ﴾. «مرا در پیش سرور خود (یعنی شاه مصر) یادآور شو». یوسف چند سالی در زندان نمی‌ماند.

سپس امام حسن گریه کرد و گفت: هرگاه برای ما مشکلی پیش بیاید (به جای توسل به پروردگار) به مردم متوسل می‌شویم![1]

---

۱. الزهد امام احمد ص: ۱۰۳. ابن‌تیمیه در مورد آیه‌ی «اذکرنی عند ربک» [یوسف/۴۲] «مرا در پیش سرور خود (یعنی شاه مصر) یادآور شو». می‌گوید که سخن یوسف هیچ گونه منافاتی با توکل ندارد چرا که یوسف به دوستانی که با او در زندان بودند می‌گفت: «إن الحُكمُ إلا لله». «فرمان‌روایی از آن خداست و بس». هم چنین آیه‌ی «اذکرونی عند ربک» خداوند از زبان یوسف بیان می‌کند به مانند آیه‌ی «اجعلنی علی خزائن الارض إنی حفیظ علیمٌ». «یوسف گفت: مرا سرپرست اموال و محصولات زمین کن، چرا که من بسیار حافظ و نگهدار (خزائن و مستغلات و...) بس آگاه (از مسایل اقتصادی و کشاورزی) می‌باشم».
هنگامی که یوسف به پادشاه پیشنهاد سرپرستی اموال و محصولات زمینی را داد، هیچ گونه ضدیتی با توکل ندارد و پیشنهاد یوسف از جمله پیشنهاداتی نبود که شریعت از آن نهی

برادران یوسف یازده تن بودند که بنی‌اسرائیل از نوادگان آنان می‌باشد.

رفتار برادران یوسف علیه السلام در حق یوسف علیه السلام را خداوند متعال در قرآن کریم چنین بیان می‌دارد:

برادران یوسف علیه السلام چنین گفتند: ﴿أَحَبُّ إِلَىٰ أَبِينَا مِنَّا﴾.[1]

«(هنگامی که برادران پدری یوسف گفتند: یوسف و برادرانش بنیامین که از یک مادرند) در پیش پدرمان از ما محبوب‌ترند».

محبوبیت یوسف علیه السلام پیش پدرشان سبب شد که برادرانش در حق او حسد بورزند و همین حسادت سبب شد که نسلشان از پیامبری بی‌بهره بماند.

برادران یوسف علیه السلام چنین گفتند: ﴿إِنْ يَسْرِقْ فَقَدْ سَرَقَ أَخٌ لَهُ مِنْ قَبْلُ﴾.[2]

«اگر (بنیامین) دزدی کند (جای شگفت نیست، که آن را از سوی مادر به ارث برده است) و برادرش (یوسف نیز که هر دو از یک مادرند) قبلاً دزدی کرده است».

شومی و گناهِ همین افترا و دروغ که برادران یوسف علیه السلام به او نسبت دادند سبب گردید که کسی از نسلشان به پیامبری برگزیده نشود.

---

نموده، بلکه یوسف علیه السلام خواست که پاکی و صداقتش پیش پادشاه معلوم گردد چرا که او از پاک‌دامنان بود.

۱. یوسف/۸.

۲. یوسف/۷۷.

برادران یوسف چنین گفتند: ﴿اقْتُلُوا يُوسُفَ﴾.[1]

«یوسف را بکشید».

شومی گناه و نقشه‌هایی که برادران یوسف‌ؑ در حق او روا داشتند تا پیش پدرشان محبوب گردند یکی دیگر از اسبابی شد که نسلشان از پیامبری محروم گردد.[2]

برادران یوسف‌ؑ این چنین گفتند: ﴿وَنَحْفَظُ أَخَانَا وَنَزْدَادُ كَيْلَ بَعِيرٍ﴾.[3]

«و از برادر خود محافظت می‌کنیم و بار شتری را (بر مقدار قبلی) می‌افزاییم».

همین گفتار برادران یوسف‌ؑ سبب محبوب شدن مال و ثروت دنیا در قلوب آن‌ها گردید و نسلشان از پیامبری بی‌نصیب ماند و همین صفت زشت مال‌اندوزی بعدها در نسلشان اثر کرد و در مصر سکونت گزیدند و زیردست حکومت فرعون مورد ظلم و ستم قرار گرفتند به طوری که فرزندانشان را کشت و زنانشان را برای فساد و تباهی نگه داشت.

سپس خداوند متعال موسی‌ؑ را در میان قوم بنی‌اسرائیل به پیامبری مبعوث نمود تا بنی‌اسرائیل از چنگال خواری و زبونی فرعون رهایی یابند و شکرانه‌ی نعمت خداوند را به جا بیاورند.

---

۱. یوسف/۹.

۲. به کشتاری که یهود این زمان مرتکب می‌شوند توجه کنید، با توجه به این همه بلاها و مصیبت‌ها باز هم در فکر اجرا کردن قراردادها و مذکرات خویش هستند.

۳. یوسف/۶۵.

نعمت‌هایی را که خداوند عزوجل به بنی‌اسرائیل ارزانی داشته چنین بیان می‌کند:

﴿يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ﴾.[1]

«ای بنی‌اسرائیل! به یاد آورید نعمت مرا که بر شما ارزانی داشتم، و این که من شما را (از نظر نعمت‌های گوناگون) بر جهانیان برتری دادم».

از جمله نعمت‌هایی که خداوند بر بنی‌اسرائیل ارزانی داشته می‌توان به برگزیدن انبیا در میان آنان و غرق کردن دشمنشان فرعون در دریا و... اشاره کرد.

اما با وجود ارزانی نمودن این همه نعمت‌ها، به علت محبوبیتی که به نسبت مال دنیا داشتند طلا و جواهرات مصری‌ها را به غارت بردند، و علاوه بر انجام این عمل زشت و ناپسند مرتکب عملی ناپسندیده‌تر شدند آن هم هنگامی بود که موسی﷣ برای عبادت خداوند متعال به میعادگاه رفت و در این فاصله گوساله‌ای را که از طلا با دستان خود ساخته بودند، شروع به پرستش آن کردند، شوم گناهانشان سبب گردید تا روز قیامت به غیر از مؤمنان مورد غضب خداوند متعال نیز قرار گیرند.

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَأُشْرِبُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ بِكُفْرِهِمْ﴾.[2]

---

۱. بقره/۴۷.

۲. بقره/۹۳.

«دل‌هایشان بر اثر کفر، با (محبت) گوساله آبیاری شده بود».

گوساله‌ای که قوم موسی علیه السلام از طلا ساخته بودند سبب شد که عشق و علاقه‌ی طلا و جواهر در درونشان به وجود آید به طوری که امروزه اکثریت ثروتمندان دنیا که به مال اندوزی و احتکار مشغولند از یهودیان می‌باشند.

از صفات زشت و ناپسند دیگر یهودیان می‌توان به سرکشی، و نافرمانی، و مخالفت کردن با پیامبرانشان اشاره کرد.

چنان چه به آنان دستور داده شده بود که از دروازه‌ی شهر با خشوع و خضوع وارد شوند. تا سبب آمرزش گناهانشان گردد اما گفتاری که بدانان گفته شده بود به مسخره گرفتند و آن را دگرگون کردند.

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ قَوْلاً غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ﴾.[1]

«سپس ستمگران (از فرمان خدایشان سرپیچی کردند و) گفتاری را که بدانان گفته شده بود دگرگون گفتند».

از صفات زشت و ناپسند دیگر یهود، خداوند عزوجل چنین بیان می‌کند: ﴿إِنَّ اللهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْبَحُوا بَقَرَةً﴾.[2]

«خدا به شما دستور می‌دهد که گاوی را سر ببرید».

اما آنان با سؤالات مختلف در مورد نوع گاو اقدام به سخت‌گیری کردند و این عملِ آنان سبب شد که خداوند متعال در

---

۱. اعراف/۱۶۲.

۲. بقره/۶۷.

مشخصات سر بریدن گاو بر آنان سخت بگیرد».

از صفات ناپسند دیگر آنان هنگامی که خداوند متعال ابری را چون سایه‌بان بالای سرشان نگه داشت و برای آنان از آسمان طعام ترنجبین و بلدرچین فرو فرستاد. که انسان هیچ وقت از این گونه طعام‌ها خسته نمی‌شود و همیشه با لذت می‌باشند. اما بنی‌اسرائیل به خاطر عناد و سرکشی که در درونشان بود از موسی‏ عليه السلام خواستند که از خدا بخواهد برایشان از زمین سبزی و خیار و گندم و سیر و عدس و پیاز برویاند. موسی به آنان گفت: آیا چیز پست‌تر را جانشین چیز بهتر می‌کنید؟

به سبب گناهی که مرتکب شده بودند خداوند متعال آن‌ها را در سرزمین مصر قرار داد و بر سرشان انواع خواری و زبونی آورد و خشم خداوند متعال یکی پس از دیگری آنان را فرا گرفت حتی از نسلشان آن‌هایی که هدایت یافته بودند عذاب پروردگار شامل حال آنان هم شد.

یکی دیگر از گناهانشان این بود که خداوند متعال به آنان دستور داده بود که خوراکی‌ها را ذخیره نکنند چون که خوراک و غذاهای آن زمان با وجود سپری شدن مدت زیاد فاسد نمی‌شد. اما به خاطر سرکشی و عناد که در سرشت بنی‌اسرائیل بود با فرموده‌ی خداوند عزوجل مخالفت ورزیدند و خوراکی‌ها را ذخیره نمودند. از آن وقت به خاطر شومی گناهانشان خوراکی‌ها فاسد می‌شوند.[1]

---

۱. اگر شومی گناهانشان نبود امروزه نیازی به دستگاه‌های نگهدارنده برای حفظ خوراکی‌ها از فاسد شدن وجود نداشت. می‌توان آن وقت را آغاز انتشار میکروب‌ها در فضا تلقی کرد.

ابوهریره رضی الله عنه روایت می‌کند که رسول اکرم ﷺ فرمودند: «لَوْ لا بَنِي إِسْرائيلَ لَمْ يَخْبُثْ الطَّعَامُ وَ لَمْ يَـخْنَزْ اللَّحْم».[1]

«اگر بنی اسرائیل نمی‌بودند، غذا و گوشت، فاسد نمی‌شد».

## شومی گناهان فرعون، به نسبت خود و خاندان و غلامان و نوکرانش

خاندان فرعون در دنیا مورد لعنت خداوند عزوجل قرار گرفتند. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَحَاقَ بِآلِ فِرْعَوْنَ سُوءُ الْعَذَابِ﴾.[2]

«و عذاب بدی خاندان فرعون را در بر گرفت».

به طوری که حتی قبرستان و گنجینه‌هایشان مورد لعنت خداوند متعال قرار گرفتند. پس برای این که از بدشگونی لعنت در امان باشیم از نزدیک شدن به آن‌ها خودداری نماییم.[3] که در میان مردم

---

۱. مختصر صحیح مسلم منذری تحقیق آلبانی شماره‌ی حدیث ۸۶۴، ص۲۱۹.

۲. غافر/۴۵.

۳. خداوند متعال می‌فرماید: «وَأَتْبَعْنَاهُمْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ هُمْ مِنَ الْمَقْبُوحِينَ». [قصص/۴۲]

«در همین جهان در عقبشان نفرین فرستادیم و در روز قیامت هم (زشت سیرتان این جهان) از زمره‌ی زشت چهرگان (آن جهان) خواهند بود.

عده‌ای از باستان شناسان بر این نظریه‌ی بی‌اساس هستند که فرعون بر گنجینه‌های خود افسون و جادو کرده است که هر کس به آن نزدیک شود شامل لعنت فرعون می‌گردد. و آن چه در نوشته‌های هیروگلیفیه آمده که به سبب لعنت خداوند متعال نمی‌تواند به این گنجینه‌ها دسترسی پیدا کرد فرموده‌ی رسول اکرم ﷺ تایید می‌کند که می‌فرماید: «لا تَدْخُلوا عَلى هَؤُلاءِ المُعَذَّبِينَ إلاّ أنْ تَكُونُوا باكِينَ، فإنْ لَمْ تَكُونُوا باكِين فَلا تَدْخُلوا عَلَيهِم أنْ يُصِيبَكُمْ مثْلَ ما أصابَهُمْ». [رواه احمد]

«شما بر آن قوم عذاب داده شده وارد نشوید مگر این که شما در حال گریه‌کنان (بر آنان وارد

به لعنت فرعونیان مشهور است.

خداوند متعال در مورد عذابشان در آخرت می‌فرماید: ﴿النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ﴾.[1]

«و آن آتش دوزخ است که بامدادان و شامگاهان آنان بدان عرضه می‌شوند. (این عذاب برزخ ایشان است) و اما روزی که قیامت برپا می‌شود (خدا به فرشتگان دستور می‌دهد) خاندان فرعون (و پیروان او) را به شدیدترین عذاب دچار سازید».

## قوم‌های صالح و شعیب و هود و نوح علیهم السلام

اقوامی بودند که با انواع بلایا مانند صداهای مهیب، تند باد، غرق شدن و سنگ باران شدن از آسمان هلاک و نابود گشتند.

شومی گناهانشان سبب شد که کسی نتواند در سرزمین آن‌ها سکونت گزیند و از آب رودخانه‌ی آن سرزمین بهره‌ای ببرد.[2]

---

شوید) و اگر حالت گریه‌کنان ندارید بر آنان وارد نشوید (مبادا) آن چه آنان به آن مبتلا شدند شما هم به آن گرفتار شوید. (مبادا عذابی که به آنان رسیده است به شما هم سرایت کند».
پیامبر ﷺ به سرعت عبور کردن از محل سکونت اصحاب فیل که در مسیر عرفه واقع شده است دستور داده است.

۱. غافر/۴۶.

۲. در علم امواج‌شناسی، با به کارگیری دستگاه‌های پیشرفته در این زمینه به سرزمین‌هایی که دارای آب و معادن و مجسمه‌سازی و کنده‌کاری بوده است از طریق جاذبه‌ی زمین به اشکال هندسی آن‌ها دسترسی پیدا کرد. که با مشکل می‌تواند در این دوران به علت شوم گناهان به آن دسترسی پیدا کرد.
معجزه‌ی هر پیامبری به خصوصیات و ویژگی‌های آن قومی که در میانشان بود بستگی داشت

که آثار کنده‌کاری در سرزمین‌های این اقوام به عنوان عبرت و عدم توانایی آنان در مقابله با معجزات خداوند متعال هنوز باقی مانده‌اند. در این دوران با وجود صنعت و فن‌آوری کسی همانند آنان نمی‌تواند چنین کوه‌هایی را حفاری کند. در حقیقت این اقوام خود در حق خویشتن ظلم نمودند و اولین کسی که اعتراف به گناه خویش نمود آدم(ع) بود. ﴿رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾.[1]

«(آدم و همسرش، دست دعا به سوی خدا برداشتند و) گفتند: پروردگارا! ما (با نافرمانی از تو) بر خویشتن ستم کرده‌ایم و اگر ما را نبخشی و بر ما رحم نکنی از زیانکاران خواهیم بود».

خداوند متعال درباره‌ی آنان می‌فرماید: ﴿فَتِلْكَ بُيُوتُهُمْ خَاوِيَةً[2] بِمَا

---

به طوری که قوم موسی(ع) در سحر و جادو مهارت خاصی داشتند. خداوند می‌فرماید: «فَأَلْقَوا حِبالَهُمْ وَ عِصِيَّهُم». [شعرا/۴۴] «پس جادوگران (با غرور و نخوت) طناب‌ها و عصاهای خود را افکندند». پس موسی(ع) با معجزه‌هایی از طرف خداوند عزوجل مانند تبدیل عصا به اژدها و بیرون آمدن آب از زمین جا زدن چوب دستی و خشک شدن دریا به اذن خداوند متعال با قوم خود روبرو شد. و هم چنین قوم عیسی(ع) در علم پزشکی تخصص داشتند. که سبب شد خداوند متعال معجزه‌ی زنده کردن مردگان و شفای بیماران را به عیسی(ع) عطا فرماید. و هم چنین قوم صالح(ع) در مجسمه‌سازی و تراشیدن کوه‌ها مهارت خاص داشتند، که سبب شد معجزه‌ی بیرون آمدن شتر از کوه به اذن خداوند عزوجل به صالح(ع) داده شود! و در میان اعراب که در شعر و خطابت سخنور بودند خداوند متعال قرآن را به عنوان معجزه که دارای بیانی شیوا و کلامی خاص است و تا قیامت کسی توانایی مقابله با آن را ندارد به پیامبر(ص) عطا نمود.

۱. اعراف/۲۳.

۲. در سوره‌ی قصص به جای کلمه‌ی «بیوتهم»، «مساکنهم» آمده است. که عده‌ای از باستان‌شناسان ادعا دارند که قبرهای آنان با دست تراشیده و بنا شده است در صورتی که این

ظَلَمُوا إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَةً لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ﴾.[1]

«این خانه‌های ایشان است که بر اثر ظلم و ستم فرو تپیده است و خالی از سکنه شده است. مسلماً در این امر عبرت بزرگی است برای کسانی که آگاه و فهمیده باشند».

## راز همیشه ماندگار ماندن کافران در آتش جهنم

خداوند متعال در مورد کافران می‌فرماید: ﴿وَلَوْ تَرَى إِذْ وُقِفُوا عَلَى النَّارِ فَقَالُوا يَا لَيْتَنَا نُرَدُّ وَلا نُكَذِّبُ بِآيَاتِ رَبِّنَا وَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ * بَلْ بَدَا لَهُمْ مَا كَانُوا يُخْفُونَ مِنْ قَبْلُ وَلَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ﴾.[2]

«اگر تو (ای محمد) آنان را مشاهده کنی بدان گاه که ایشان را (در کنار) آتش دوزخ نگاه می‌دارند (و هراس جهنم ایشان را برداشته است، منظره‌های وحشت‌انگیزی را می‌بینی و سخنان شگفت‌انگیزی را می‌شنوی!) آنان می‌گویند: ای کاش! (برای نجات از این سرنوشت شوم، بار دیگر) به دنیا برمی‌گشتیم و (در آن‌جا دیگر) آیات پروردگارمان را تکذیب نمی‌کردیم و از زمره‌ی مؤمنان

---

طور نیست به خاطر این که در زندگی مست و مغرور شده بودند و طغیان و سرکشی پیشه کرده بودند. خداوند متعال عذاب خود را بر آنان نازل نموده و خانه‌هایشان را ویران و به قبرستان خودشان تبدیل نموده است. «فَتِلْكَ مَسَاكِنُهُمْ لَمْ تُسْكَنْ مِنْ بَعْدِهِمْ إِلا قَلِيلاً». [قصص/۵۸] «این خانه‌های ایشان است که بعد از آنان (روی آبادی به خود ندیده است و) جز مدت اندکی منزل و مأوی نگشته است».

۱. نمل/۵۲.

۲. انعام/۲۸_۲۷.

می‌شدیم. (این تمنا، آرزوی دروغینی بیش نیست) بلکه (به خاطر آن است که در آن جهان، عیوب) کارهایی که قبلاً (در این دنیا انجام می‌داده‌اند و از خود و دیگران) پنهان می‌کرده‌اند، برای آنان آشکار گشته است. اگر هم (به فرض محال به دنیا) برگردانده شوند، به سراغ همان چیزی می‌روند که از آن نهی شده‌اند. ایشان (در وعده‌ی اینان) دروغگویند.

در آیاتی که ذکر شد تدبر کن! هنگامی که به آتش جهنم انداخته می‌شوند و عذاب دردناک آن را احساس می‌کنند آرزوی بازگشت به این دنیا را می‌کنند تا این که عمل نیک انجام دهند از طرف خداوند عزوجل به آنان جواب داده می‌شود: ﴿وَلَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ﴾.[1]

«اگر هم (به فرض محال به دنیا) برگردانده شوند، به سراغ همان چیزهایی می‌روند که از آن نهی شده‌اند».

پس هنگامی که از اعمال آن‌ها مطلع شدید متوجه می‌شوید که اعمال ناپسند آنان دل‌هایشان را به سنگ مبدل نموده که قابلیت پذیرش هیچ چیزی را ندارند و به خاطر شومی گناهانشان به عنوان هیزم آتش جهنم به کار برده می‌شوند که تنها با وجود ایشان آتش جهنم شعله‌ور می‌گردد و برای همیشه در آن‌جا باقی می‌مانند.

چنان چه خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ﴾.[2]

---

۱. انعام/۲۸.

۲. بقره/۲۴.

«افروزینه آن (آتش جهنم) انسان و سنگ است».

پس آنان با اعمال زشت و ناپسندی که در دنیا مرتکب شده‌اند به خود ظلم کرده‌اند در حالی که خداوند متعال به کسی ظلم نمی‌کند.

حذیفه گفت: از رسول اکرم ﷺ شنیدم که می‌فرمود: «**تُعرَضُ الفِتَنُ عَلى القُلوبِ عَرضَ الحَصيرِ (أي تَأْثِيرُ الحَصِيرِ فِي جَنْبِ النّائِم) عَوداً عَوداً، فَأَيُّ قَلْبٍ أُشْرِبَها (أي خالَطَهُ) نُكِتَ فِيهِ نُكتَةٌ سَوداءُ، و أيُّ قَلبٍ أَنكَرَها نُكِتَ فِيهِ نُكْتَةٌ بَيضاءُ، حَتّى يَصيرَ القَلْبُ أَبيَضُ مِثلَ الصَّفا (الحَجَرُ الأَمْلَسُ)، لا تَضُرُّه فِتنةٌ مادامَتِ السّماواتُ وَ الأَرْضُ وَ الآخَرُ أسودُ مُرباداً (أي شِدَّةُ البَياضِ مَعَ السَّوادِ) كالكُوزِ مُجَخِّياً (أي مَنكُوساً)، لا يَعْرِفُ مَعْرُوفاً وَ لا يُنْكِرُ مُنكَراً، إلاّ ما أُشرِبَ مِنْ هَواهُ**».[1]

«همان‌گونه که آثار حصیر، هنگام خواب بر روی بدن ظاهر می‌شود فتنه‌ها (پیروی از هوای نفس و ارتکاب به گناهان) این چنین به دنبال هم به طور کامل بر بدن انسان ظاهر می‌شود) هر قلبی که با فتنه‌ها و هواها همدم گردد آن قلب را سیاهی فرا می‌گیرد و هر قلبی آن فتنه‌ها را انکار کند آثار سفیدی بر آن قلب باقی می‌ماند تا این که قلب به حالت سنگ صاف مرمرین در می‌آید و تا زمانی که آسمان‌ها و زمین پابرجا هستند فتنه‌ای بر آن قلب ضرر نمی‌رساند. اما قلب دیگر که سیاهی آن را پوشانده است مانند کوزه‌ای است (که اگر واژگون شود چیزی داخل آن باقی نمی‌ماند و

---

۱. فتح الباری (۲۳۷/۵)، صحیح الجامع آلبانی شماره‌ی حدیث (۲۹۶۰).

چیزی را در خود نگه نمی‌دارد) و هیچ امر معروف و شایسته‌ای را نمی‌پذیرد و هیچ امر ناپسندی را انکار نمی‌کند و به جز هوای نفسانی خویش چیزی را نمی‌پذیرد».

## فصل سوم:

## آثار گناهان در امت پیامبرﷺ

مردی که به رسول اکرمﷺ گفت: «عدالت را رعایت نکردی!»

از عبدالرحمان‌بن ابی‌نعم روایت است که ابوسعید خُدری﷛ گفت: «بَعَثَ عَلِيُّ بنُ أَبي طَالِبٍ﷛ إلى رَسُولِ اللهﷺ مِن اليَمَنِ بِذُهَيبَةٍ في أَدِيم مَقرُوظٍ لَمْ تُحَصَّلْ مِن تُرابِها، قالَ فَقَسَمَها بينَ أَربَعَةِ نَفَرٍ: بينَ عُيَينةَ بنِ بَدرٍ، وَ أقرَعَ بِن حابِسٍ، وَ زيدِ الخَيلِ و الرَّابعُ إمّا عَلقَمَةُ، وَ إمّا عامِرُبنُ الطُّفيلِ فقالَ رجُلٌ مِن أصحابِهِ: كُنّا نحنُ أَحَقَّ بِهذا مِن هؤُلاءِ. فَبَلَغَ ذلك النبيَّﷺ فقالَ: ألا تأمَنُونِي وَ أنا أَمينُ مَن في السَّماءِ تأتِيني خَبَرُ السماءِ صَبَاحاً وَ مَسَاءً؟ قال فقالَ رَجُلٌ غائرُ العَينَينِ، مُشرِفُ الوَجْنَتَينِ، ناشزُ الجَبْهَةِ، كَثُّ اللِّحيَةِ، مَحلُوقُ الرَّأسِ، مُشَمَّرُ الإزارِ فقال: يا رَسُولَ الله: إتَّقِ اللهَ قال: وَيلَكَ أَوَ لَستُ أَحَقَّ أَهلِ الأرضِ أَنْ يَتقِيَ اللهَ؟ قال ثُمَّ وَلّى الرَّجُلُ قال خالِدُبنُ الوَلِيدِ: يا رَسُولَ الله، ألاَ أَضرِبُ عُنُقَهُ؟ قال: لا لَعَلَّهُ أن يكونَ يُصَلِّي. فقالَ خالِدٌ: وَ كَمْ مِن مُصَلٍّ يَقُولُ بِلِسانِهِ ما ليسَ في قلبِهِ. قال رَسُولُ اللهﷺ: إنِّي لَمْ أومَرْ أنْ أنقُبَ قلوبَ النّاسِ و لا

**أشُقَّ بُطُونَهُمْ قال ثُمَّ نَظَرَ إلَيهِ وَ هُوَ مُقَفٍّ فقالَ: إنَّهُ يَخرُجُ مِن ضِئضِئِ هذا قومٌ يَتلُونَ كتابَ الله رَطباً لا يُجَاوِزُ حَنَاجِرَهُمْ يَمرُقُونَ مِن الدِّينِ كَمَا يَمرُقُ السَّهمُ مِن الرَّمِيَّةِ وَ أظُنُّهُ قال: لَئن أدرَكتُهُمْ لأقتُلَنَّهُمْ قَتلَ ثَمُودَ.**[1]

«علی‌بن ابی طالب رضی الله عنه برای رسول اکرم ﷺ از یمن در میان چرم دباغی شده قطعه‌ای طلا فرستاد که از خاک معدنی جدا نشده بود (حالت شمش مانند داشت). ابوسعید گفت: پیامبر ﷺ آن را میان چهار نفر تقسیم کرد: در میان عینیه‌بن بدر، و اقرع‌بن حابس، و زید الخیل و نفر چهارم یا علقمه بود یا عامربن طفیل. یکی از اصحاب پیامبر ﷺ گفت: ما به نسبت این (بخشش) از آن‌ها سزاوارتر هستیم این خبر به پیامبر ﷺ رسید و فرمود: آیا من را امین نمی‌شمارید در حالی که من امین آن ذاتی هستم که در آسمان است و اخبار آسمانی صبح و شام برایم می‌آید. (در این هنگام) مردی چشم فرو رفته، پیشانی برآمده، با ریش انبوه و سری تراشیده، که ازار نیز بسته بود (شالوارش از روی دو ساق پا بالا زده)، برخاست و گفت: ای رسول خدا، از پروردگار بترس. پیامبر ﷺ فرمود: وای بر تو،آیا از همه‌ی روی زمین سزاوارتر به ترس از خدا نیستم؟ سپس آن مرد پشت کرد و رفت خالد بن ولید رضی الله عنه گفت: ای رسول خدا، آیا گردن او را نزنم؟ پیامبر ﷺ فرمود: نه شاید نمازگزار باشد خالد گفت چه زیادند نمازگزارانی که به زبان چیزی می گوید که با قلب به آن باور ندارد. پیامبر ﷺ فرمود: به من امر نشده است که از باطن مردم

---

۱. فتح‌الباری ۶۷۱/۷ شماره‌ی حدیث ۴۳۵۱

تحقیق کنم و نه هم شکم‌هایشان را بشکافم (من تنها به ظاهر امور عمل می‌کنم) پیامبرﷺ به او نگاهی کرد در حالی که او پشت کرده بود (پشتش به پیامبرﷺ بود). پیامبرﷺ فرمود: از نسل این مرد قومی پدید می‌آید که کتاب خدا را با زبانی تر (شور و اشتیاق) می‌خوانند ولی از گلویشان نمی‌گذرد (مورد قبول واقع نمی‌شود). از دین اسلام خدا خارج می‌شوند آن طوری که تیر از کمان بیرون می‌رود از اطاعت امام سر بار می‌زنند) ـ فکر می‌کنم که فرمود: اگر آنان را دریابم حتماً مانند قوم ثمود که کشته شدند، البته آنان را خواهم کشت».

## پوشیده ماندن شب لیلةالقدر

پیامبرﷺ می‌فرماید: «يا أيّها الناسُ إنَّها كانَت أُبِيْنَت لِي لَيلَةُ القَدرِ، وَ إنِّي خَرَجْتُ لأُخبِرَكُمْ بِها، فَجاءَ رَجُلانَ يَحتَقّانِ مَعَهُما الشّيطانُ، فَنُسِّيتُها».[1]

«ای مردم شب لیله‌القدر به من اطلاع داده شد (که کدام یک از شب‌هاست) و از (منزل) بیرون آمدم تا شما را از آن شب با خبر کنم، (اما) دو نفر آمدند که با هم اختلاف داشتند (و هر کدام از آن دو برای این که حقّ خویش را بگیرد صدایش را بالا می‌برد) و شیطان آن دو را همراهی می‌کرد. پس شب قدر از یادم برده شد».

پس لفظ ناشایست آن مرد در حق رسول اکرمﷺ سبب شد که از

۱. مختصر صحیح مسلم منذر تحقیق آلبانی، شماره‌ی حدیث ۶۳۷، ص ۱۷۰.

نسل وی چنین افرادی مانند خوارج به وجود آیند.

پیامبرﷺ می‌فرماید: «إنَّ العَبْدَ لَيَتَكَلَّمُ بالكَلِمَةِ مِن سُخْطِ الله لا يُلْقى لَهَا بالاً يَهْوِي بِها فِي جَهَنَّم».

«گاهی انسان زبان به کلماتی می‌گشاید که قهر خداوند متعال در آن است (در حالی که آن را بی‌اهمیت تلقی می‌کند) به واسطه‌ی آن وارد جهنم می‌شود (به کلامی که بر زبان می‌آورد فکر نمی‌کند که چه می‌گوید)».

به سبب شومی گناهان آن دو مرد که با صدای بلند به همدیگر ناسزا می‌گفتند خیر و برکت بزرگی از امت رسول اکرمﷺ پوشیده ماند.

## لعنت و نفرین شتر توسط یک زن انصاری

«عَن عِمرانِ بْنِ حُصَينٍ‌ رضي الله عنه قال: بَيْنَما رَسُولُ اللهﷺ في بَعْضِ أَسفارِهِ، وَ إمْرَأةٌ مِن الأنصارِ عَلى ناقَةٍ فَضَجِرَتْ فَلَعَنَتْها فَسَمِعَ ذَلِكَ رَسُولُ اللهﷺ فَقالَ: (خُذُوا ما عَلَيها و دَعُوها، فإنَّها مَلعُونةٌ) قال عِمرانُ: فَكأنّي أرَاهَا الآن تَمْشي فِي النَّاسِ ما يَعرِضُ لَهَا أحدٌ».[1]

«عمران‌بن حصین رضي الله عنه روایت می‌کند: در یکی از سفرهای پیامبر اکرمﷺ زنی از انصار که بر روی شترش سوار بود ناراحت (دلتنگ و بی‌قرار شد) و شتر را لعن کرد. پیامبرﷺ لعن آن زن را شنید و فرمودند: آن چه بر روی شتر است (از وسایل) بردارید و شتر را

---

۱. مختصر صحیح مسلم منذری، ص۴۸۱ـ۴۸۰ شماره‌ی حدیث ۱۸۲۰، مسلم ۲۵۹۵/۸.

رها کنید چرا که مورد لعن واقع شده است. عمران می‌گوید: همانند این که من آن شتر را در بین مردم می‌بینم که راه می‌رود و کسی به آن توجه نمی‌کند.

به سبب شومی گناه آن زن شتر رها شد تا این که مُرد! پس هر چیزی را که مورد لعن انسان‌ها قرار گیرد این چنین می‌توان بر آن قیاس کرد، پناه به خداوند متعال از چنین معاصی ناگواری.

## دعای رسول اکرمﷺ در حق قوم مُضَر

پیامبرﷺ می‌فرماید: «اللَّهُمَّ أشدُدْ وَطْاتكَ عَلى مُضَر، وَ ابْعَث عَلَيهم سِنِينَ كَسِني يوسفَ».

«پروردگارا فشار و سختی خویش را بر قوم مُضر تشدید گردان و بر آنان سال‌هایی مانند سال‌های (سخت زمان) یوسفؑ بفرست (آنان را مانند سال‌های سخت زمان یوسفؑ که مبتلا به قحط سالی شدند دچار کن)».

قوم مضر به سبب شومی گناهانشان و دعای پیامبرﷺ در حق آنان دچار خشکسالی و قحطی شدند. به طوری که استخوان و گوشت خشک شده را می‌خوردند و از گرسنگی سنگ به شکمشان می‌بستند».[1]

---

۱. تأویل مشکل الحدیث ابن قتیبه ص: ۲۳۳ عمدة القاری، شرح صحیح البخاری.

## بی بارانی (قحط سالی)

ابوهریره رضی الله عنه می‌گوید: دانشمندان دینی به سبب ظلم و ستم انسان‌های ستمگر و ظالم در خانه‌های خویش جان می‌سپارند».[۱]

مجاهد می‌گوید: «حیوانات هنگامی که قحط سالی و بی‌بارانی روی می‌دهد بر بنی آدم لعنت می‌فرستد، چرا که می‌گویند سبب بی‌برکتی و قحط سالی به خاطر گناهان انسان‌هاست».[۲]

عکرمه می‌گوید: «که تمامی جانوران، حیوانات و پرندگان و حتی سوسک‌های سرگین خور و عقرب‌ها می‌گویند علت منع شدن ما از باران و مبتلا شدن به این قحط سالی همگی ناشی از گناه و نافرمانی انسان‌ها می‌باشد».[۳]

أنس‌بن مالک رضی الله عنه می‌گوید: «که شومی گناهان بنی آدم سبب می‌شود که سوسمار از لاغری و گرسنگی در مکان خود (آشیانه‌ی خود) هلاک شود».[٤]

## عذاب خداوند به نسبت نیکوکاران و بدکاران

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَاتَّقُوا فِتْنَةً لا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنكُمْ خَاصَّةً﴾.[٥]

---

۱. الجواب الکافی لإبن القیم۱۶.

۲. همان

۳. همان.

۴. تأویل مشکل الحدیث لابن قتیبه، ص۲۳۳.

۵. انفال/۲۵.

«خویشتن را از بلا و مصیبتی به دور دارید که تنها دامنگیر کسانی نمی‌گردد که ستم می‌کنند (بلکه اگر جلو ستمکاران گرفته نشود، خشک و تر به گناه آن می‌سوزد)».

زینب رضی الله عنها می‌گوید: «ای رسول خدا: آیا ما هم هلاک می‌شویم؟ در حالی که در میان ما انسان‌های نیکوکار و صالح وجود دارند».

پیامبرﷺ فرمودند: «بله هر گاه زشتی و پلیدی زیاد شود (خشک و تر را می‌سوزاند)».

چنان چه خداوند عزوجل قوم نوح عليه السلام را به سبب گناهان انسان‌های مکلف اعم از کوچک و بزرگ به هلاکت رسانید.

بر اساس همین قانون قوم عاد را توسط طوفان و باد، و قوم ثمود را با رعد و برق و قوم لوط را با سنگ نابود ساخت، به طوری که اصحاب سبت را به شکل میمون و خوک مبدل نمود و نافرمانی آنان حتی کودکان را هم در برگرفت.

اگر سؤال شود که چگونه خداوند متعال به سبب نافرمانی گروهی، عده‌ی زیادی را مورد عذاب خود قرار می‌دهد در حالی که خداوند متعال به کسی ظلم نمی‌کند و می‌فرماید: ﴿وَ مـا أَنـا بِظَـلاَّمٍ لِلْعَبيد﴾.[1]

«و من کمترین ستمی به بندگانم نمی‌کنم».

در جواب به گفته‌ی إیاس‌بن معاویه بسنده می‌کنیم که در جواب گروهی که در مورد ظلم از او سوال کردند چنین جواب داد: ظلم

---

۱. ق/۲۹.

آن است که چیزی را که متعلق به خود نیست از دیگری بگیری.

پس تمام آن چه را که در جهان هستی اعم از جان‌دار و بی‌جان مشاهده می‌شود همگی مخلوق خداوند متعال می‌باشند[۱] که خداوند بر حسب نیّتشان آنان را زنده می‌گرداند.

فرموده‌ی پیامبر اکرمﷺ به اصحاب خود: (از پیش من برخیزید) ابن‌عباسﷺ روایت می‌کند: هنگامی که پیامبرﷺ به بیماری مرگ نزدیک شد عده‌ی زیادی از اصحاب از جمله عمربن خطابﷺ در نزد او حضور داشتند. پیامبرﷺ فرمودند: «**هَلُمَّ أَكْتُبُ لَكُم كِتاباً لَنْ تَضِلّوا بَعْدَه أبداً**».

«بشتابید تا برایتان نامه‌ای بنویسم که هرگز پس از آن گمراه نشوید».

عمربن خطابﷺ گفت: بیماری بر پیامبرﷺ شدت یافته است (نوشتن نامه برایش دشوار است) و قرآن در میان شماست و کتاب خداوند (قرآن) برای ما کافیست.[۲] آنانی که در منزل (نزد رسول اکرمﷺ بودند با هم اختلاف (نظر) پیدا کردند، عده‌ای گفتند: پیش رسول اکرمﷺ نزدیک شوید تا برایتان نامه‌ای بنویسد که بعد از آن

---

۱. تأویل مشکل الحدیث از ابن قتیبه، ص۲۳۶.

۲. امام عمرﷺ چنین پنداشت که دستور رسول اکرمﷺ به نوشتن نامه از باب ارشاد و راهنمایی است و فکر کرد که نوشتن برای رسول اکرم سخت می‌باشد و در این حالت آیه‌ی مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ [انعام/۳۸] «در کتابت هیچ چیز را فروگذار نکرده‌ایم».
به ذهنش خطور کرد در حالی که اهل علم بر آن توافق دارند که فرموده‌ی رسولﷺ برای ارشاد و تأکید بود و دین خداوند متعال به نص آیه کامل است. تصوری در غیر این صورت پیامبرﷺ را به کوتاهی در دین خداوند متهم می‌گرداند در حالی که پیامبرﷺ رسالت خداوند متعال را به طور کامل به مردم رساندند.

هرگز گمراه نشوید! و عده‌ای دیگر گفتند: آن چه عمر می‌گوید (یعنی قرآن برای ما کافیست)، پس هنگامی که سخنان بیهوده و اختلاف نزد پیامبرﷺ زیاد شد، پیامبرﷺ به آنان فرمود: از پیش من برخیزید.[۱]

عبیدالله می‌گوید: ابن‌عباس رضی الله عنهما می‌گفت: (مصیبت همان مصیبتی بود که اختلاف و سخنان بیهوده‌ی اصحاب سبب عدم نوشتن نامه‌ی پیامبرﷺ در میان خود و ایشان گردید)[۲]

(اختلاف اصحاب سبب عدم کتابت پیامبرﷺ گردید).

در احادیث بیان شده است که اختلاف سبب محروم شدن از خیر و برکت می‌گردد که این رویداد بعضی از آثار شوم گناهان در امت رسول اکرمﷺ به حساب می‌آید.

---

۱. بخاری۱۱۴، ۴۴۳۲، ۵۶۶۹، ۷۳۶۶، مسلم ۱۶۳۷.

۲. کتاب الطب امام نسائی، ص۴۴، تحقیق سامی التونی.

## فصل چهارم:

# اموری بسیار خطرناك که انسان به نسبت آن بی‌توجهی می‌کند لکن آثار زشت و کریه آن بسیار سریع نمایان می‌شود.

## نافرمانی والدین و قطع صله‌ی رحم (خویشاوندی)

پیامبرﷺ می‌فرماید: «بِرُّوا آبَاءَكُم تَبَرَّكُمْ أَبنَاؤُكُم».[1]

«با پدرانتان نیکی کنید، فرزندانتان با شما نیکی خواهند کرد».

عیسی پسر مریم‌ﷺ می‌فرماید: «خوشا به حال فرد مؤمن، خوشا به حال فرد مؤمن، که خداوند بعد از مرگ خودش فرزندش را محفوظ نگه می‌دارد».[2]

**عَن أَنَسِ بْنِ مالِكٍ قال: سَمِعتُ رَسُولَ اللهِﷺ يَقُولُ: «مَن سَرَّه أن يُبْسِطَ عَلَيه رِزْقُهُ، و يُنسَأ لَه فِي أَثَرِه فَلْيَصِلْ رَحِمَهُ».[3]**

«هر کس که فراوانی رزق و تأخیر اجل (برکت در عمر) او را خوشحال می‌کند پس صله‌ی رحم را به جا بیاورد».

---

۱. حدیث صحیح، نگاخ: النوافح العطرة للصفدی، ص۸۶.

۲. کتاب «زهد» امام احمد ص۷۲.

۳. مختصر صحیح مسلم منذری، تحقیق آلبانی، ص۴۷۰، شماره‌ی حدیث ۱۷۶۲.

آن چه بیان داشتیم در مورد کسی بود که در حق پدر و مادرش نیکی می‌کند و صله‌ی خویشاوندی را به جا می‌آورد.

اما کسی که نافرمانی والدین را می‌کند، راهی جز افسوس و پشیمانی ندارد و نتیجه‌ی کردار خود را می‌بیند. چرا که انسان آن چه را که می‌کارد، درو می‌کند. با هر دستی که دادی از همان دست می‌گیری.

به قول شاعر:

از مکافات عمل غافل مشو
گندم ز گندم روید، جو ز جو

یا در جایی دیگر:

اگر بد کنی چشم نیکی مدار
که هرگز نیارد انگور بار

مردمان باید بدانند که مصلحت والدین در حق فرزندان و مصلحت فرزندان برای والدین سودمند و مفید واقع می‌شود.

در حدیثی که ابوهریره رضی الله عنه روایت می‌کند پیامبر ﷺ می‌فرماید: «**إنَّ اللهَ تعالی خَلَقَ حَتَّی إذا فَرَغ مِنْهُ، قامَتِ الرَّحِم، فأَخذتْ بِحَقوِ الرّحمانِ، فقال لَهُ: مَه. قالت: هَذا مَقامُ العَائِذِ بِكَ مِن القَطِيعَةِ، قال أَلا تَرضِينَ أن أَصِلَ مَن وَصَلَك و أَقطعَ مَن قَطَعَكِ؟ قالت بلی، یا ربِّ، قال: فَذَاكِ**».

**قال ابوهريره رضی الله عنه أقرؤا إن شِئتُم: ﴿فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الأَرْضِ وَتُقَطِّعُوا أَرْحَامَكُمْ﴾.**[1]

---

۱. محمد/۲۲.

«خداوند کائنات را آفرید و آن وقت که از آفرینش (کائنات) خویش به پایان رسید رحم گفت: این مقام کسی است که از قطع صله‌ی رحم به تو پناه می‌آورد. خداوند متعال به رحم فرمود: مگر به این راضی نیستی کسی که تو را رعایت می‌کند من هم او را رعایت نمایم و کسی که تو را ترک کند من هم او را ترک نمایم؟ رحم گفت: خداوندا! به این امر راضی هستم، خداوند فرمود: هر کس صله‌ی رحم را به جا آورد من با او هستم و هر کسی که آن را ترک کند من هم او را ترک خواهم کرد. ابوهریره گفت: برای تائید این امر می‌توانید آیه‌ی ۲۲ سوره‌ی محمد را بخوانید که می‌فرماید: «آیا اگر روی‌گردان شوید، جز این انتظار دارید که در زمین فساد کنید و پیوند خویشاوندی میان خویش را بگسلید؟»».[۱]

ابن‌جوزی می‌گوید: «آن کسی که در حقّ پدرش نافرمانی و بدرفتاری نموده بود و او را بیرون رانده بود فرزندش همان عمل را در حق پدر خویش انجام داد![۲]

امروزه جای تعجب نیست که عده‌ی زیادی حقوق والدین را رعایت نمی‌کنند و انواع بی‌احترامی و ناسزا را در حق والدین روا می‌دارند و کلام پروردگار را فراموش کرده‌اند که می‌فرماید: ﴿مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ﴾.[۳]

«انسان هیچ سخنی را بر زبان نمی‌راند مگر این که فرشته‌ای،

---

۱. بخاری، مختصر صحیح مسلم، منذری تحقیق آلبانی، ص۴۷۱، شماره‌ی حدیث ۱۷۶۴.

۲. صیدالخاطر ابن جوزی، ص۳۹۱.

۳. ق/۱۸.

مراقب و آماده (برای دریافت و نگارش) آن سخن است.

همه‌ی این اعمال ناشایست به سبب شومی گناهان پیشینیان می‌باشد که امروزه در این امت سرایت کرده است.

## زنا و مقدمات آن

پناه به خدا هرگاه کسی زنا یا مقدمات زنا را مانند عشق بازی و.... انجام دهد آثار نحوست آن به خانواده‌اش، مادرش، خواهرش و... سرایت می‌کند.

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَلا تَقْرَبُوا الزِّنَا إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلا﴾.[1]

«و (با انجام عوامل و انگیزه‌های زنا) به زنا نزدیک نشوید که زنا گناه بسیار زشت و بدترین راه و شیوه است».

خداوند متعال در آیه‌ی مذکور کلمه‌ی «تقربوا» را به کار برده بدین‌معنا که: زنا نکنید. به عوامل نزدیکی زنا و مقدمات آن از قبیل: چشم‌چرانی، بی‌حجابی، خلوت با بیگانه، رفتن به کانون‌های فساد، نگاه به کتاب‌ها و فیلم‌های آلوده ... نزدیک نشوید».

چرا که حتی مقدمات زنا کیفری ناگسستنی دارد و آثار شوم آن باقی می‌ماند.

عَن عَبْدالله بنِ عُمَر بْنِ الخَطّابِ رضي الله عنه قال: (كُنْتُ عاشِرَ عَشَرَةِ رَهْطٍ مِن المُهاجِرينَ عِندَ رَسولِ اللهِ ﷺ فَأَقبَلَ بِوَجْهِهِ، فَقَال: «يا مَعْشَرَ-

---

۱. اسراء/۳۲.

الْمُهاجِرِينَ خَمسٌ خِصالٍ أَعُوذُ بِاللهِ أَنْ تُدرِكُوهُنَّ: ما ظَهَرَت الفاحِشَةُ فِي قَومٍ حَتّي أَعْلَنُوا بِها إلاّ ابتَلُوا بالطَّواعِينِ و الأَوجاعِ التّي لَمْ تكُن فِي أَسلافِهِم الَّذين مَضَوا».[۱]

گفت: من دهمین نفر گروهی از مهاجران بودم که در محضر پیامبرﷺ حضور داشتیم، پس رو به ما کرد و فرمودند: ای گروه مهاجران پنج مورد است که به خدا پناه می‌برم و از این که شما آن‌ها را دریابید: هرگاه فاحشه و کارهای ناروا در قومی به صورت آشکارا انجام گرفت حتماً خداوند آن‌ها را به طاعون‌ها و بیماری و سختی‌هایی دچار می‌کند که در زمان پیشینیان آن‌ها سابقه نداشته است.

حدیث ذکر شده بیان می‌دارد که انحراف جنسی بیماری‌های ناگواری به دنبال دارد که این بیماری‌ها در ذات خود دارای صفات متمایزی از سایر بیماری‌هاست که نشانه‌ی عقوبت الهی می‌باشد که این صفات عبارتند از:[۲]

### ۱. سرایت‌پذیری (واگیردار)

هرگاه فردی به یک بیماری باکتری مانند حصبه مبتلا شود به اذن خداوند متعال پادزهری در بدن بیمار به وجود می‌آید که ضد میکروبی است که در بدن فرد بیمار وجود دارد و سبب شفای بیمار

---

۱. ابن ماجه ۴۰۱۹، ابونعیم در کتاب «الحلیلة» ۳۳۳/۸، امام ذهبی درجه‌ی حدیث را صحیح بیان کرده است.

۲. کتاب «الأمراض الجنسیة عقوبة الهیة» تألیف: د. عبدالحمید القضاة، ص۱۳.

به اذن خداوند متعال می‌گردد. اما در بیماری‌های جنسی چنین نیست و یک قضیه‌ی جداگانه می‌باشد که در بیماری جنسی از یک نوع سیستم دفاعی بر علیه بیماری محروم می‌گردد بنابراین فرد بعد از بهبودی امکان مبتلا شدن برای بار دوم به بیماری را دارد.

## ۲. راه‌های انتقال میکروب

میکروب‌های بیماری جنسی تنها از طریق انسان سرایت کرده و فعالیت می‌کنند و در بدن حیوانات امکان فعالیت ندارند. این نوع بیماری‌ها گاهی اوقات از طریق خون و آب دهان به فرد منتقل می‌شود که ناشی از شومی و بدشگونی گناهانی است که خود مرتکب آن شده است!

## ۳. ویروس سیفلیس که دانشمندان جهان را به چالش انداخته است.

اکثر بیماری‌های معده را در آزمایشگاه‌ها به طوری مصنوعی می‌توان مورد مطالعه و تحقیق قرار داد. اما بیماری‌های جنسی مانند زگیل تناسلی و سیفلیس که کشت مصنوعی و بررسی و تحقیق آن‌ها در آزمایشگاه‌ها کار بسیار سخت و پیچیده‌ای است و شناخت و آگاهی در مورد این‌گونه میکروب‌ها بسیار کم و اندک می‌باشد. چنین محدودیتی در شناخت این نوع ویروس‌ها خود می‌تواند یک نوع مجازات الهی باشد.

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضِ﴾.[1]
«لشکرهای آسمان‌ها و زمین از آن خداست».

## ۴. خاصیت قدرت باکتری‌های سیفلیس

هر کدام از بیماری‌های مقاربتی مشخصه‌ی خاصی دارند که هیچ یک از میکروب‌های دیگر این خاصیت را ندارند مانند باکتری سیفلیس اسپیرال که به شکل مارپیچ و دارای طرفین تیزی می‌باشد و قدرت نفوذ فوق‌العاده‌ای به پوست اعضای تناسلی و لب را دارد در حالی که پوست سالم به طور طبیعی مانند یک سد در مقابل میکروب‌ها عمل می‌کند به طوری که پوست دارای مواد چربی است و از ورود انواع میکروب‌ها از جمله گرد و غبار به بدن جلوگیری می‌کند و میکروب‌ها مجبور می‌شوند راه دیگری مانند ورود به ریه‌ها از طریق هوا یا ورود به روده‌ها را از راه خوردن غذا و ... به بدن پیدا کنند اما این نوع ممانعت‌ها که پوست از خود نشان می‌دهد در مقابل باکتری‌های سیفلیس توان مقاومت خود را از دست می‌دهد.

## ۵. سرایت متعدد

اثر باکتری‌های بیماری جنسی افراد، دیگران را هم در بر خواهد گرفت مانند خانمی که مبتلا به سیفلیس است این بیماری می‌تواند از طریق ارثی و مادرزادی و از راه‌های گوناگون دیگری هم چون

---

۱. فتح/۴.

طول فرایند زایمان به فرزندان او برسد بنابراین مجازات الهی را شامل خود و دیگران با چندین برابر می‌کند.

و یا خانمی که به باکتری سوزاک آلوده است به خاطر گناهی که مرتکب شده است چشم نوزادش را به عفونتی که باعث کوری می‌شود آلوده می‌کند.

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَى وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ وَكُلَّ شَيْءٍ أحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ﴾.[1]

«ما خودمان مردگان را زنده می‌گردانیم و چیزهایی را که (در دنیا) پیشاپیش فرستاده‌اند و (کارهایی را که کرده‌اند، و هم چنین) چیزهایی را که (در آن) بر جای نهاده‌اند (و کارهایی را که نکرده‌اند، ثبت و ضبط می‌کنیم و) می‌نویسیم و ما همه چیز را در کتاب آشکار (لوح محفوظ) سرشماری می‌نماییم و می‌نگاریم».

---

۱. یس/۱۲.

## ۶. بیماری ایدز[1]

در این بیماری یک ویروس به سلول‌های خونی حمله می‌کند و در نهایت موجب تضعیف سیستم ایمنی بدن می‌شود. در این وضعیت بدن به بیماری باکتریایی و انگلی مبتلا شده و دچار تورم غدد لنفاوی در دو طرف بدن می‌گردد.

متأسفانه عوارض این ویروس خطرناک به این‌جا ختم نمی‌شود و بیمار را گرفتار مسائل نگران کننده‌ای می‌گرداند مانند کاهش وزن بدن، بروز بیماری پوستی که به صورت لکه‌های کبود و قرمز در بدن ظاهر می‌شود، اسهال شدید، تنگی نفس، سرفه‌های خشک به مدت چند هفته، اضطراب روانی، عدم تمرکز حواس، ضعف و بی‌حالی، عفونت ریوی، سرطان پوست، تب دائمی، عرق شبانه،

---

۱. از بیماری‌های دیگری که همانند مرض ایدز ویران‌گر می‌باشند می‌تواند به بیماری‌هایی مانند: سکته، از دست دادن کلیه، جنون گاوی، آنفلوآنزای پرندگان و... اشاره کرد در صورتی که خداوند متعال رحمت خویش را شامل حال مریض نگرداند سبب هلاکت مریض می‌گردد که این نوع بیماری‌ها همگی ناشی از آلودگی زمین توسط اشعه‌های موجود و آلودگی کارخانجات و سوءتغذیه و آداب و رسوم ناشایست و روی‌گردانی از دستورات پروردگار می‌باشد و قبل از همه چیز، شومی گناهان بندگان در این موارد مؤثر می‌باشد. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾. [اعراف/۹۶].

«اگر مردمان این شهرها و آبادی‌ها (به خدا و انبیاء) ایمان می‌آوردند و (از کفر و معاصی) پرهیز می‌کردند، (درگاه خیرات و) برکات آسمان و زمین را بر روی آنان می‌گشودیم (و از بلایا و آفات به دورشان می‌داشتیم) ولی آنان به تکذیب (پیغمبران و انکار حقائق) پرداختند و ما هم ایشان را به کیفر اعمالشان گرفتار و مجازات نمودیم. (و عبرت جهانیانشان کردیم)».

الطب محراب الایمان د: خالص جلبی، ص۱۲۴.

فلج کل بدن که در نهایت منجر به مرگ بیمار می‌شود.

از علت‌های این بیماری می‌توان به رابطه‌ی جنسی، هم‌جنس بازی، تزریق مواد مخدر با سرنگ، انتقال خون از طریق نزدیکی به جنین، یا با شیر دادن به واسطه‌ی بزاق، اشاره کرد. این بیماری مجازاتی الهی است که هزاران نفر را از پای در آورده است.

با وجود این همه پیشرفت در علم پزشکی تا امروز راهی برای جلوگیری از این بیماری پیدا نشده است. بدون شک تمام این مسائل ناشی از عواقب ناگوار گناه می‌باشد و دامنه‌ی این عواقب به اندازه‌ای وسیع است که حتی بسیاری از بی‌گناهان را در برگرفته است.

## بلا و عواقب گفتار

**پیامبرﷺ می‌فرماید: «لا تَظْهَرُ الشَّماتَةَ لِأَخيكَ فَيَرْحَمُهُ اللهُ وَ يَبْتَلِيكَ».[1]**

«برادرت را شماتت نکن چرا که خداوند او را مورد رحمت خویش قرار می‌دهد و تو را مبتلا می‌گرداند».

امام احمد‌رحمه‌الله می‌گوید: از حسن بصری‌رحمه‌الله شنیدم که می‌گفت: هر کس برادر مسلمان خویش را به گناهی که مرتکب شده و از آن گناه توبه کرده است عیب‌جویی کند خداوند متعال ایشان را به آن گناه مبتلا می‌کند.[2]

کلمه‌ی «الشَّماتَة» که در حدیث ذکر شده است بدین‌معناست که

۱. ترمذی، طبرانی و... نگا: تمییز الطیب من الخبیث، عبدالرحمان الأثری، ص۱۷۱، الاذکار نووی، ص۵۴۲.

۲. کتاب الزهد، امام احمد، ص۳۴۲.

فرد مسلمانی، از برادر مسلمان خویش، که در گذشته مرتکب گناه شده و از آن گناه توبه کرده است عیب‌جویی کند یا این که از رفتار، گفتار و شکل ظاهری او عیب‌جویی کند که این عملی بسیار خطرناک است و کمتر کسی متوجه این نوع رفتار در حق دیگران می‌شود.

در روایتی که امام ترمذی‌ﷺ روایت می‌کند: پیامبرﷺ می‌فرماید:
**«مَنْ عَيَّرَ أَخاهُ بِذَنبٍ لَمْ يَمُوتُ حَتَّى يَعْمَلَهُ».**

«هر کس برادر خویش را به گناهی که (مرتکب شده است) سرزنش و نکوهش کند از دنیا نمی‌رود تا این که خودش مرتکب آن گناه شود».

ابن‌سیرین‌ﷺ می‌گوید: به علت عیب‌جویی از فرد ورشکسته خودم دچار ورشکستگی شدم!

ابن‌جوزی‌ﷺ می‌گوید: که شخصی چنین بازگو می‌کرد که: به علت عیب‌جویی از دندان‌های فردی، اکثر دندان‌هایم خراب شد.[1]

از بزرگان دین چنین نقل شده است: اگر از سگی بیگاری بکشم می‌ترسم که به سگ تغییر پیدا کنم. به خدا قسم تمامی این رویدادها مشاهده شده که فرد استهزاءکننده خود یا فرزندانش به حالتی که با آن استهزاء می‌کرده مبتلا شده‌اند که همگی ناشی از شومی گناهانی است که با گفتار مبتلا شده است.

پیامبرﷺ می‌فرماید: هر گاه کسی را دیدید که در آن عیب و

---

۱. صید الخاطر ابن جوزی، ص۳۹۱.

عاری است و یا مبتلا است، این دعای «اَلْحَمْدُ لله الَّذِي عافانِي مِمَّا ابْتلاكَ بِهِ وَ فَضَّلَنِي عَلى كَثيرٍ مِمَّنْ خَلَقَ تفضيلاً».[1]

«ستایش خدای را که من را عافیت بخشید از آن چه که تو را به آن مبتلا کرد و به راستی من را بر بسیاری از مخلوقات برتری داد». را بخوانید هرگز به آن بلا مبتلا نمی‌شوید.

## لعن و نفرین و عاقبت آن

لعن و نفرین بلایی است که به کثرت در گفتار مردم شنیده می‌شود. به حقیقت که کلام رسول اکرمﷺ بر ما صدق می‌کند هنگامی که در مورد لعنت‌کنندگان از او پرسیدند، جواب دادند: «نَشءٌ يَكُونُونَ فِي آخِرِ الزَّمانِ، تَكُونُ تَحِيَّتُهم بَيْنَهُمْ إذا تَلاقُوا التَّلاعُنُ».[2]

«نسل جدیدی در آخر زمان می‌آید که سلام و احوال پرسی هنگام ملاقات در میانشان لعن کردن همدیگر می‌باشد».

در روایتی که از ابودرداءﷺ در مورد شوم لعنت روایت شده است پیامبرﷺ می‌فرماید: «إنَّ العَبْدَ إذا لَعَنَ شَيْئاً صَعِدَتِ اللَّعَنةُ إلى السَّماءِ، فَتُغْلَقُ أبوابُ السَّماءِ دُونَها، ثُم تَهْبِطُ إلى الأَرضِ، فَتُغْلَقُ أَبوابُها دُونَها، ثُم تَأْخُذُ يَميناً وَ شِمالاً، فَإذا لَمْ تَجِدْ مَساغاً، رَجَعَتْ إلى الذي لُعِنَ، فَإنْ كَانَ لِذلِكَ أهلاً وَ إلا رَجَعَت إلى قائِلِها».[3]

---

۱. الفوائد ابن‌قیم، ص۲۵۷، سیرأعلام النبلاء ۴۹۶/۱.

۲. امام احمد، طبرانی، حاکم، نگا: مجنوع اخبار آخر الزمان للمشعلی، ص۱۲۹.

۳. ابوداوود، صحیح سنن ابی داوود از آلبانی، ۵۲ شماره‌ی حدیث ۴۹۰۵.

«هر گاه بنده‌ای چیزی را لعن کند لعنت (آن فرد) به سوی آسمان بالا می‌رود و درهای آسمان قبل از رسیدن لعن به آسمان بسته می‌شود سپس به طرف زمین فرود می‌آید و درهای زمین در مقابل (لعن) بسته می‌شود. سپس به طرف راست و چپ متمایل می‌شود (تا راهی را پیدا کند) پس زمانی که راهی پیدا نکرد به سوی کسی که مورد لعن واقع شده است برمی‌گردد پس اگر فرد لعن شده شایستگی لعن را داشته باشد (لعنت در حق او اجرا می‌شود) در غیر این صورت به سوی گوینده‌ی آن برمی‌گردد».

شومی لعن و نفرین سبب محرومیت از شهادت و شفاعت رسول اکرمﷺ در روز قیامت می‌شود.

در روایتی که ابودرداء رضی الله عنه روایت می‌کند می‌گوید: **سَمِعْتُ رسولَ اللهﷺ يَقُولُ: «لا يَكُونُ اللَّعَّانُونَ شُفعاءَ وَ لا شُهَداءَ».**[1]

«لعنت‌کنندگان (در روز قیامت) شفاعت‌کنندگان و شهدا نمی‌باشند».

چه بسا لعن کردن غیر انسان، شومی گناه را در بر می‌گیرد به طوری که ابن‌عباس رضی الله عنهما در روایتی بیان می‌کند که مردی باد را لعن کرد پیامبرﷺ فرمودند: **«لا تَلْعَنْها فَإِنَّها مأمُورَةٌ، إِنَّه مَنْ لَعَنَ شَيئاً لَيْسَ لَهُ بِأَهْلٍ رَجَعَتْ اللَّعْنَةُ عَلَيه».**[2]

«آن را لعن مکن (چرا) که او مأمور است. هر کس چیزی را لعن کند که آن چیز شایسته‌ی آن لعن نیست لعنت به خود (لعن‌کننده)

---

۱. مسلم، ابوداوود، صحیح سنن ابی داوود از آلبانی به شماره‌ی حدیث ۴۹۰۷.
۲. مختصر صحیح سنن ابی داوود از آلبانی، ص۳/۹۲۷، شماره‌ی حدیث ۴۱۰۱.

برمی‌گردد».

از بزرگ‌ترین گناهان آن است که فرد پدر و مادرش را به طور غیرمستقیم دشنام دهد. چنان چه در احادیث آمده است که پیامبرﷺ می‌فرماید: «يَسُبُّ الرَّجُلُ أبا الرَّجُلِ، فَيَسُبُّ أَباهُ و يَسُبُّ أُمَّه».[۱]

«شخصی، پدر کسی را دشنام می‌دهد و او در جواب به پدر و مادرش، دشنام می‌دهد».

پس متهم کردن فرد مؤمن به فسق و کفر همان حال لعنت کردن را دارد.[۲]

بلاهایی که بر سر انسان می‌آید ناشی از بدشگونی گناهانی است که مرتکب شده است. هرگاه فردی به نسبت گناهانش توبه کند، شیطان او را وسوسه کرده و گناهانش را به یادش می‌آورد تا از رحمت خداوند متعال نا امید گردد. اما مؤمنی که قلبش خالی از گناه و نافرمانی خداوند متعال است و به پروردگار خویش اطمینان کامل دارد هرگز شیطان نمی‌تواند در او نفوذ کند. هم چنان که امام علیﷺ می‌گوید: هر بلایی که نازل شود سبب آن گناه و نافرمانی خداوند متعال است و این بلا به جز با توبه کردن از بین نمی‌رود.[۳]

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ

---

۱. مختصر صحیح بخاری از زبیدی، ص۴۶۶ شماره‌ی حدیث ۳۰۰۷.

۲. ابوذرﷺ از پیامبرﷺ روایت می‌کند که فرمود: «لا يَرْمِي رَجُلٌ رَجُلاً بِالفُسُوقِ وَ لا يَرْمِيهِ بِالْكُفرِ إلاّ ارْتَدَّتْ عَلَيهِ، إنْ لَمْ يَكُن صَاحِبُهُ كَذلِكَ».

«کسی دیگری را به فسق و کفر متهم نکند، در صورتی که فرد (متهم شده) چنین نباشد کفر به خود فرد برمی‌گردد».

مختصر صحیح بخاری، شماره‌ی حدیث ۲۰۳۰.

۳. الفوائد ابن قیم، ص۱۰۶.

أَيدِيكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ﴾.[۱]

«آن چه از مصایب و بلا به شما می‌رسد، به خاطر کارهایی است که خود کرده‌اید». خداوند از بسیاری (از کارهای شما) گذشت می‌کند (که شما از آن‌ها توبه نموده‌اید.

## نتیجه‌گیری کلی:

وهب‌بن منبه رحمه‌الله می‌گوید: خداوند متعال در بعضی موارد به بنی‌اسرائیل می‌فرماید: «هرگاه از من فرمانبرداری شود راضی می‌شوم و هرگاه خشنود شوم برکت می‌اندازم. به طوری که برکت من نهایت ندارد، و هرگاه نافرمانی من شود خشمگین می‌شوم و هرگاه خشمگین شوم نفرین می‌کنم».

حدیثی که بیان شد با فرموده‌ی خداوند متعال معارضت نمی‌کند که می‌فرماید: ﴿وَلا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى﴾.[۲]

«هیچ کس بار گناهان دیگری را بر دوش نمی‌کشد (و گناهان دیگری را به گردن نمی‌گیرد».

انسان با شوم گناهان خویش راه شرّ و گمراهی را برای فرزندان و نسل خویش آماده کرده در این هنگام با کردار معصیت‌آمیز توفیق و حفاظت را از نسل خویش سلب می‌نماید: ﴿وَ كَانَ أَبُوهُمَا صالِحًا﴾.[۳]

---

۱. شوری/۳۰.

۲. زمر/۷.

۳. کهف/۸۲.

«و پدرشان مرد صالح و پارسایی بود».[1]

پس انسان باید از ارتکاب به گناهان خودداری کند تا شومی گناهانش در نسل او تأثیر نگذارد.

---

۱. آن دیواری که خضر تعمیر کرد متعلق به دو کودک یتیم در شهر بود و زیر دیوار گنجی وجود داشت که مال ایشان بود و پدرشان مرد صالح و پارسایی بود و آن را برایشان پنهان کرده بود پس پروردگار تو خواست که آن دو کودک به حد بلوغ برسند و گنج خود را به مرحمت پروردگارت بیرون بیاورند و مردمان بدانند که: صلاح پدران و مادران برای پسران و دختران و خوبی اصول برای فروع سودمند است.

# فصل پنجم:

## آثار گناهان بر انسان

گناهان آثاری بسیار زشت و ناپسند و زیان‌آور در دنیا و آخرت بر قلب و بدن انسان دارد که تنها خداوند متعال از آن مطلع است برخی از آن‌ها عبارتند از:[1]

۱. محروم شدن از علم: علم نوری است که خداوند آن را در قلب جایی می‌دهد، و گناه سبب خاموش شدن نور می‌گردد.

۲. ترس و وحشت: که انسان گناهکار در بین خود و خدای خود آن ترس و وحشت را احساس می‌کند به طوری که از ترس، لذت گناه را احساس نمی‌کند.

۳. ترس و وحشت: فرد گناهکار در بین خود و مردم آن ترس و وحشت را احساس می‌کند. به خصوص اگر فرد صالح و نیکوکار باشد.

٤. سخت شدن کارها بر او: انسان گناهکار رو به هر کاری بیاورد آن کار برایش سخت شده و بر رویش بسته می‌شود.

٥. تاریکی قلب: انسان گناهکار در قلب خود تاریکی احساس

---

۱. نگاه کتاب «الجواب الکافی» از ابن‌قیم ص: ۵۴ تا ۱۰۷.

می‌کند به طوری که قلب و بدنش چنان سست می‌شود که از عبادت محروم می‌گردد.

۶. کوتاهی عمر: گناه سبب بی‌برکت شدن عمر می‌شود و برکت را از زندگی بر می‌دارد.

۷. هر گناه، نافرمانی و معصیت دیگری به دنبال دارد که سبب بی‌عزتی و کم‌ارزشی فرد می‌گردد.

۸. گناه قلب و اراده‌ی انسان را ضعیف می‌کند و سبب افزایش گناه و دوری از توبه می‌گردد.

۹. گناه، قباحت و زشتی معصیت را از قلب برمی‌دارد به طوری که فرد احساس گناه نمی‌کند و به آن افتخار می‌کند در این حالت مورد عفو خداوند متعال قرار نمی‌گیرد.

۱۰. گناه، غیرت، شهامت و... حیا و شرم را که جوهر زندگی است از انسان سلب می‌کند.

۱۱. گناه سبب نفرین و لعنت رسول خداﷺ می‌گردد - پناه به خدا از ارتکاب معاصی -

۱۲. محروم شدن از دعای پیامبرﷺ و دعای فرشتگان مقرب خدا عزوجل در حق انسان‌های نیکوکار، که این محرومیت ناشی از انجام معصیت و نافرمانی می‌باشد.

۱۳. گناه سبب می‌شود که خداوند ایشان را از یاد خودشان ببرد. یعنی خدا فراموشی، هلاکت به دنبال دارد، به سبب فراموش کردن خداوند متعال، و پروردگار آنان را نابود کرد.

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللهَ فَأَنسَاهُمْ

أَنفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾.[1]

«و همسان کسانی نباشید که خدا را از یاد بردند و خدا هم خودشان را از یاد خودشان برد! آنان بیرون روندگان (از حدود شرایع الهی) و خارج شوندگان (از دایره‌ی ایمان) هستند».

۱٤. کثرت گناه سبب سیاه شدن قلب شده و فرد عاصی از زمره‌ی غافلان محسوب می‌شود.

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿كَلا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾.[2]

«هرگز! هرگز! اصلاً کردار و تلاش (پلشت و زشت) ایشان دل‌هایشان را زنگ زده کرده است (و هم چون زنگاری بر قلوبشان نشسته است و روزنه‌ی هدایت را بر روی ایشان بسته است)».

۱٥. راز کیفر گناهان آن است که خداوند ترس و وحشت را در قلب انسان گناهکار می‌اندازد که عبادت مانع ترس و وحشت می‌گردد.

۱٦. گناه سبب می‌شود که فرد گناهکار در لحظات سخت و دشوار خیانت کند مخصوصاً در هنگام جان دادن، خاتمه‌اش عاقبت به خیر نمی‌گردد.[3]

---

۱. حشر/۱۹.

۲. مطففین/۱۴.

۳. این حالت در هنگام جان دادن عده‌ی زیادی آن را مشاهده کرده‌اند.

## آثار ترک گناه و نافرمانی در دنیا

پاک و منزهی تنها شایسته‌ی خداوند متعال است!

آثار ترک گناه و دوری از نافرمانی خداوند متعال از دیدگاه ابن‌قیم رحمه‌الله[۱]:

مروّت و جوانمردی، حفظ آبرو و شخصیت، محفوظ ماندن ثروت و دارایی که خداوند جهت مصلحت مردم در دنیا و آخرت قرار داده است، ایجاد محبّت در دل مردم، زندگی پر از صفا و صمیمیت، راحتی بدن، آرامش قلب، خوشنودی دل، سعه‌ی صدر، امنیت و آسایش از ترس فاسقان و عدم غم و ناراحتی، عزّت نفس، محفوظ ماندن نور قلب از این که گناهان سبب تاریک شدن آن شود، رهایی از تنگنا که فساق و ظالمان به آن گرفتار شده‌اند، خدای متعال از جایی به او روزی می‌رساند که خودش هم تصور آن را نمی‌کند، آسان شدن کارها، در حالی که انسان‌های ستمگر در کارهای خود با مشکل روبرو می‌شوند، فراهم شدن شرایط عبادت پروردگار و کسب علم، رضایت مردم و دعای خیر کردن در حق او، چشیدن حلاوت و طعم ایمان، هیبت او در قلوب مردم جای می‌گیرد، پشتیبانی و کمک مردم هرگاه مورد آزار و اذیت و ظلم قرار گیرد، حفظ عرض و ناموس، سرعت اجابت دعا، وحشتی و هراسی در بین خود و خدای خود احساس نمی‌کند، دور شدن شیطان از او و نزدیک شدن فرشتگاه به او، مسابقه کردن مردم در

---

۱. نگا: کتاب «الفوائد» از ابن‌قیم، ص۱۵۲-۱۵۱.

خدمت به او، محبوب شدن پیش مردم و آرزوی رفاقت با او، عدم ترس از مرگ و خوشحالی او در رسیدن به لقاء پروردگار، بی‌ارزش شدن دنیا و با ارزش شدن آخرت در قلب او، آرزو و حریص شدن به رستگاری و رسیدن به بهشت، دعای فرشتگان مقرب خداوند عزوجل در حق او، خوشحالی فرشتگان که اعمال انسان را می‌نویسند و دعای آنان در حق او، پروردگار عقل و فهم و معرفت او را زیاد می‌کند، محبت خداوند به نسبت او، رو کردن پروردگار جهانیان به او و خوشحالی خداوند متعال از توبه‌ی عبد خویش.

## آثار ترک گناهان بعد از مرگ انسان

فرشتگان در حالی که از جانب خداوند عزوجل مژده‌ی بهشت به او می‌دهند او را ملاقات می‌کنند به طوری که نه ترسی بر آن خواهد بود و نه اندوهگین خواهد شد و از زندان دنیا رهایی باغی از باغ‌های بهشت منتقل می‌شود و تا روز قیامت از نعمت‌های بهشت بهره خواهد برد.

## آثار ترک گناهان در آخرت

در روز قیامت آن وقتی که مردم در عرق و گرما به سر می‌برند او در زیر سایه‌ی رحمت پروردگار به سر می‌برد و هنگامی که از حساب و کتاب آن روز نجات یافت و نامه‌ی عملش به دست راستش داده شد همراه اولیا و پرهیزگاران و رستگاران به بهشت پر از ناز و نعمت خداوند متعال داخل می‌شوند. این هم فضل

پروردگار است. خداوند متعال آن را به هر کس کـه بخواهـد عطـا می‌کند. و اوست که دارای فضل فراوان و انعام بی‌شمار است.[۱]

خوشا به حال آنانی که توبه می‌کنند و از انجام گنـاه خـودداری می‌کنند.

حسن بصری رحمه الله می‌گوید: «ای فرزندان آدم ترک گنـاه، از طلـب توبه آسان‌تر است بدین معنا که نرفتن به سوی گناه آسان‌تر است از ترک گناه و توبه‌ی بعد از انجام آن».[۲]

---

۱. نگاه: کتاب «الفوائد» ابن‌قیم، ص۱۵۲.

۲. کتاب «الزهد»، امام احمد، ۲۴۲/۲.

## فصل ششم:

# توبه و شرایط آن

**توبه‌ی انسان به سه شرط قبول می‌شود:**

الف) پشیمانی از گناهی که مرتکب شده است.

ب) دست کشیدن از گناهان و تصمیم بر این که بار دیگر به انجام گناه مبادرت نکند.

ج) اگر حق و حقوقی را به ظلم و ستم از کسی گرفته آن را به صاحبانشان برگرداند.

توبه باید قبل از این که زمان آن به پایان برسد صورت گیرد.

امام ابن‌قیم‌رحمه الله می‌گوید: پشیمانی باید از گناهان گذشته باشد و در حال، از گناهان دست بکشد و تصمیم بگیرد که در آینده مرتکب گناه نگردد.[1]

پیامبرﷺ می‌فرماید: «كُلُّ ابنِ آدَمَ خَطّاءٌ وَ خَيْرُ الخَطّائِينَ التّوابُونَ».[2]

«هر بنی آدمی خطاکار است و بهترین خطاکاران توبه‌کنندگان هستند».

---

۱. تهذیب مدارج السالکین، ص۱۲۳.

۲. صحیح الجامع الصغیر ۴۳۹۱، مسند امام احمد، ترمذی.

پس لازم است که توبه به تأخیر انداخته نشود و در حال صورت گیرد.

امام محمد غزالی‌ﷺ می‌گوید: هرگاه کسی سمّی را نوشید، و از نوشیدن آن پشیمان شد لازم است برای بیرون آوردن سم از معده فوراً استفراغ کند و بار دیگر از نوشیدن آن خودداری کند. پس از خوردن سمٌ دین که همان گناهان می‌باشند اولی‌تر آن است که بدون تأخیر در اسرع وقت از آن‌ها توبه کند.[۱]

امام حسن بصری‌ﷺ می‌گوید: ناراحت شدن انسان به نسبت گناهش و انگیزه‌ای برای ترک آن و پشیمانی از گناه، کلید توبه است. انسان مداوم نگران گناه و معصیت می‌گردد تا این که چنین گناهی آثار بهتری از بعضی نیکی‌هایش دارد.[۲]

امام بکربن عبدالله المزنی‌ﷺ می‌گوید: اعمال انسان‌ها به طرف آسمان‌ها بالا برده می‌شوند، هرگاه در صحیفه‌ی اعمال استغفار باشد به حالت سفیدی بالا برده می‌شود و در صورتی که خالی از استغفار باشد، به صورت صحیفه‌ی سیاه بالا برده می‌شود.[۳]

استغفار صفت انسان مؤمن است. پیامبرﷺ می‌فرماید: «**مَثَلُ الْمُؤمِنِ مَثَلُ السُّنْبُلَةِ تَسْتَقِيمُ مَرَّةً وَ تَخِرُّ مَرَّةً وَ مَثَل الكِافِرِ مَثَلُ الأَرْزة، لا تَزالُ مُستَقِيمَةً حَتَّي تَخِرُّ وَ لا تَشْعُرُ**».[۴]

۱. إحیاء علوم الدین غزالی، ۱۵۵/۴.
۲. ذم الهوی جوزی، ص۱۰۳.
۳. همان، ص۱۷۴.
۴. صحیح الجامع الصغیر ۲۰۰/۵.

«مثال انسان مؤمن همانند خوشه گندمی است، که یک بار راست می‌ایستد و بار دیگر فرو می‌افتد و مثال فرد کافر مانند درخت سدر است که همیشه راست قامت است تا می‌افتد و احساس نمی‌کند».

پیامبرﷺ می‌فرماید: «يا أَيُّها النَّاسُ تُوبُـوا الـى اللهِ وَ اسْـتَغْفِرُوه فـإني أَتوبُ فِي الْيَومِ مِائَةَ مرّةً».[1]

«ای مردم به سوی خدا توبه کنید و از او عفو و بخشش بطلبید، چرا که من در روز صد بار توبه می‌کنم».

پس زمانی که رسول اکرمﷺ روزانه صد بار استغفار می‌کند در حالی که خداوند متعال گناهان گذشته و آینده‌ی او را عفو نموده است!

بنابراین ما که در ورطه‌ی گناهان فرو رفته‌ایم اولی‌تر آن است که از خداوند متعال طلب مغفرت و عفو کنیم.

ای بزرگوار به خوشحالی خداوند متعال توجه کن آن‌گاه که بنده‌ای توبه می‌کند.

پیامبرﷺ می‌فرماید: «لله أشدُّ فَرَحاً بِتَوْبَةِ عَبْدِهِ حِينَ يَتُوبُ إلَيهِ مِن أَحَدِكُم كانَ عَلى راحِلَتِه بأَرضٍ فَلاةٍ، فَانْفَلَتَت مِنه، و عَلَيها طَعامُهُ وَ شَرابُهُ، فَأَيِسَ مِنها، فَأتى شَجَرَةً، فَاضْطَجَعَ فِي ظِلِّها، وَ قَدْ أَيِسَ مِن راحِلَتِه فَبَيْنَا هُوَ كَذلِكَ إذ هُو بها، قائمَةٌ عِنْدَهُ، فأَخَذَ بِخِطامِها، ثُمَّ قال مِنْ شِدَّةِ الفَرَحِ: اللّهُمَّ أَنْتَ عَبدِي، و أَنا رَبُّكَ. أَخطأَ مِن شِدَّةِ الفَرَحِ».[2]

---

۱. مسلم، ۲۷۰۲.

۲. مسلم، ۲۷۴۷.

«همانا خداوند خوشحال‌تر است به توبه‌ی بنده‌اش هنگامی که به درگاه او توبه می‌کند، از یکی از شما که در بیابان بر شترش سوار بوده، ناگهان شترش از نزدش فرار می‌کند، (در حالی که) طعام و آبش بر پشت شتر است و از شترش ناامید می‌شود. در زیر سایه‌ی درختی در حالی که از شترش ناامید شده است دراز می‌کشد. در این هنگام متوجه می‌شود که شترش در کنارش ایستاده است و او زمام شترش را به دست می‌گیرد و از خوشحالی می‌گوید: پروردگارا تو بنده‌ی منی و من خدای توام! از نهایت خوشحالی الفاظ را اشتباهی تلفظ می‌کند».

شتاب کردن در توبه واجب است، چرا که تأخیر در توبه در ذات خود نیاز به توبه دارد.

ابن قیم رحمه الله می‌گوید: چه بسیارند افرادی که فکر می‌کنند اگر توبه کردند چیز دیگری بر آنان نیست. در صورتی که هنوز توبه‌ی، تأخیر توبه بر ذمه‌ی آنان باقی مانده است.[1]

شیخ‌الاسلام ابن‌تیمیه رحمه الله می‌گوید: «هرگاه با مسأله‌ی مشکلی روبرو می‌شوم ذهنم آرام و قرار نمی‌گیرد، هزاران بار، کمتر و بیشتر استغفار می‌کنم تا این که خداوند سعه‌ی صدر را نصیبم می‌کند و مسأله را حل می‌کنم، چه بسا در بازار، مسجد مدرسه، در رسیدن به حل مشکل مساله، من را از ذکر و یاد خدا منع نمی‌کند».[2]

آن چه که در انسان جای ترس است پیروی کردن از هوی و

---

۱. تهذیل مدارج السالکین ابن قیم تهذیب و تنقیح عبدالمنعم ص: ۱۵۷.

۲. ابن‌تیمیه بطل الاصلاح الدینی: ۱۲ از محمود مهدی اسطنبولی.

هوس است. چرا که هوی و هوس انسان را طوری هلاک می‌کند که فرد متوجه‌ی آن نمی‌شود.

در روایت چنین بیان شده است که ابلیس می‌گوید: «انسان‌ها را توسط گناه به هلاکت رساندم، اما فرزندان آدم من را با استغفار و ذکر «لا اله الا الله» هلاک کردند پس هنگامی که متوجه این عمل انسان‌ها شدم آنان را مبتلا به هوی و هوس نمودم که سبب شد مرتکب گناه شوند و از توبه کردن (غافل) گردند چرا که گمان می‌بردند که به بهترین وجه کار نیک می‌کنند (و طاعت و عبادت شرک‌آلودشان موجب رستگاریشان می‌شود».[۱]

یحیی‌بن معاذ رحمه الله می‌گوید که فکر طولانی بودن عمر، انسان را از توبه کردن منع می‌کند و هم چنین بیان می‌دارد که علامت و نشانه‌ی فرد توبه‌کننده اشک ریختن (از ترس از خدا)، خلوت گزیدن و محاسبه‌ی نفس در انجام هر کار نگران‌کننده، می‌باشد.[۲] پس هر گاه در فرد علامت توبه موجود نباشد بداند که این سنت استدراج[۳] است.

عقبه‌بن نافع رضی الله عنه روایت می‌کند که رسول اکرم ﷺ فرمودند: «**إذا رَأَيتَ اللهَ تَعالی يُعطي العَبدَ مِن الدُّنيا ما يُحِبّ وَ هُوَ مُقيمٌ عَلی مَعاصِيهِ فإنَّما ذَلِكَ مِنُه استِدرَاجٌ**».[۴]

---

۱. حدیث صحیح، نگا: النوافخ العطرة للصفدی، ص۸۶

۲. ذم الهوی ابن جوزی، ص۱۷۴.

۳. خداوند به آن فرد بیشتر مهلت می‌دهد، که اگر توبه نکند در گناهان بیشتر فرو رود.

۴. صحیح الجامع الصغیر، ۵۷۵/۱.

«هرگاه دیدی که خداوند متعال به فردی از دنیا آن چه را که دوست دارد می‌بخشد در حالی که بر گناهان خویش مصرّ است این حالت (بخشش از جانب خدا) سنت استدراج است».

ابوموسی رضی الله عنه روایت می‌کند که پیامبر ﷺ فرمودند: «إنّ الله يُمْلِي لِلظّالِم فإذا أخذه لم يُفلِته، ثم قرأ: ﴿وَكَذَٰلِكَ أَخْذُ رَبِّكَ إِذَا أَخَذَ الْقُرَىٰ وَهِيَ ظَالِمَةٌ إِنَّ أَخْذَهُ أَلِيمٌ شَدِيدٌ﴾.[۱]

«خداوند به ظالم مهلت می‌دهد (و در عقاب وی عجله نمی‌کند) پس هرگاه او را گرفت (مهلتش به پایان رسید او از عذاب خداوند) رهایی نمی‌یابد. سپس رسول اکرم ﷺ این آیه را قرائت کردند: «عقاب پروردگار تو این چنین است هرگاه که شهرها و آبادی‌ها را عقاب کند که ستمکار باشند. به راستی عقاب خدا دردناک و سخت است».

پس بنابراین هر کسی می‌خواهد توبه‌ی واقعی کند لازم است که با تمام اعضا توبه کند.

محاسبی رحمه الله می‌گوید:

توبه‌ی چشم: پرهیز از نگاه کردن به اموری که شرع آن‌ها را حرام بیان کرده است.

توبه‌ی گوش: پرهیز از شنیدن اموری که از نظر شرع حرام می‌باشد.

توبه‌ی دست: پرهیز از این که با دست کارهای حرام انجام دهد.

---

۱. هود/۱۲۰.

توبه‌ی پاها: پرهیز از این که اقدام به امور حرام نماید.

توبه‌ی شرمگاه: دوری از زنا.

باید توجه کرد که عقل هم توبه دارد و آن این است که از فکر کردن در امور حرام بپرهیزد و توبه‌ی زبان آن است که به سوی امور حرام ندا ندهد».[۱]

انجام گناه انسان را از عبادت محروم می‌گرداند. هم چنان که حسن بصری رحمه الله می‌گوید: «هرگاه موفق به انجام نماز تهجد و روزه‌ی سنّت نشدی بدان که تو محروم هستی؛ لغزش‌ها و گناهان تو را زنجیر کرده‌اند (احاطه کرده‌اند)».[۲]

عبدالله‌بن مبارک رحمه الله می‌گوید: «هر کس ادب و اخلاق را سبک بشمارد، از انجام سنت‌های رسول اکرم ﷺ محروم می‌گردد و هر کس به نسبت سنت‌ها سهل‌انگاری کند از واجبات محروم می‌گردد و هر کس به نسبت واجبات (که خداوند انسان‌ها را مکلف به انجام آن نموده است) کوتاهی کند خداوند او را از معرفت و شناخت خویش محروم می‌گرداند».[۳]

از وهب‌بن منبه رحمه الله پرسیدند: آیا کسی که گناه می‌کند لذت عبادت را می‌چشد؟

گفتند: کسی که اقدام به گناه نماید لذت عبادت را نمی‌چشد.[۴]

---

۱. «التوبه» از محاسبی، ص۵۲.

۲. حدیث صحیح، نگا «النوافخ العطرة» صفدی، ص۸۶.

۳. «تذکرة السامع و المتکلم» از کنانی ص۶۸.

۴. «صید الخاطر» ابن جوزی، ص۵۱.

امام احمدﷺ فردی را که مرتکب گناه می‌شود چنین توصیف می‌کند: هرگاه فردی در گل و لای گیر کند هر اندازه که (بیشتر خود را تکان بدهد و بخواهد از آن خود را نجات دهد) بیشتر فرو می‌رود و حالت نگرانی به او دست می‌دهد. به همراهان خود چنین گفت: که هر اندازه انسان به نسبت گناهان بی‌باک باشد به محض مرتکب شدن به گناهان، بیشتر فرو می‌رود».[1]

پس ای انسان حتی از گناهان صغیره خود را برحذر دار.

امام محمد غزالیﷺ می‌گوید: گناه کبیره‌ای که یک بار آن را انجام می‌دهید و سپس آن را تکرار نمی‌کنید عفو و بخشش آن از جانب خداوند امیدوارتر است از گناهی صغیره‌ای که بر آن مداومت می‌کنید.

مثال گناه صغیره به مانند قطرات آبی است که بر روی سنگی فرو می‌ریزد که به مرور زمان بر روی سنگ اثر می‌گذارد (مداومت بر گناهان صغیره مانند این قطرت آب بر قلب انسان اثر می‌گذارد) اما اگر همین قطرات آب یک مرتبه بر روی همان سنگ بریزید تأثیری بر آن نمی‌کند».[2]

پیامبرﷺ می‌فرماید: «خَيْرُ الأَعمالِ أَدْوَمُها وَ إنْ قَلَّ».

«بهترین کردارها آن است که استمرار و ثبات داشته باشد هر چند که کم باشد».[3]

۱. «الاداب الشرعیه» مقدسی ۹۷/۱.
۲. احیا علوم الدین، غزالی ۱۹۵/۴.
۳. صحیح بخاری، ۶۴۶۵.

ابن‌قیم رحمه الله می‌گوید: اصرار و پافشاری کردن بر گناه، گناهی دیگر محسوب می‌شود و در انتظار ماندن گناه خود یک نوع پافشاری و راضی بودن و آرامش گرفتن بر آن است که این‌ها نشانه‌ی هلاکت می‌باشند».[1]

محاسبی رحمه الله می‌گوید: معنای اصرار و پافشاری آن است که در قلب شیرینی و حلاوت گناه باقی بماند.[2]

امام ماوردی رحمه الله می‌گوید: فرد خندانی که به گناهانش اعتراف می‌کند بهتر است از فرد گریان، و متکبر به نسبت پروردگارش، انسانِ پشیمان بر گناهان خویش بهتر است از فرد خندانی که اعتراف به لهو و لعب خود می‌کند.[3]

---

۱. تهذیب مدارج السالکین، ابن‌قیم، تهذیب و تنقیح العزی، ص۱۲۳.

۲. «التوبة» محاسبی، ص۵۵.

۳. «ادب الدنیا و الدین» ماوردی، ص۱۰۵.

# فصل هفتم:

## محو کننده‌ی گناهان

هم چنان که در فصل‌های گذشته بیان نمودیم تنها برای دوری از شوم گناهان توبه کفایت نمی‌کند. بلکه برای گناهان زداینده‌ای هست تا انسان به طور کلی از آن‌ها پاک شود. آن چنان که ظرف غذای پس مانده‌ی سگ پاک می‌شود! پیامبرﷺ در این مورد می‌فرماید: «إذا وَلَغَ الكَلْبُ فِي الإِنـاء فَاغْسِلُوهُ سَبْعَ مَرّاتٍ وَ عَفِّرُوهُ الثّامِنَةَ فِي التُّرابِ».[1]

«هرگاه سگ ظرف را لیسید آن را هفت‌بار بشورید و بار هشتم را گل آلود کنید (بار هشتم آن را با گل ضد عفونی کنید)».

ابن‌رجب رحمه الله می‌گوید: پاک کننده‌ی گناهان عباراند از:

۱. توبه‌ی نصوح (توبه‌ی خالصانه)

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ﴾.[2]

«قطعاً خداوند همه‌ی گناهان را می‌آمرزد. چرا که او بسیار

---

۱. مختصر صحیح مسلم نووی، شماره‌ی حدیث ۱۱۹، ص۴۱.

۲. زمر/۵۳.

آمرزگار و بس مهربان است».

۲. طلب مغفرت از خداوند متعال:

پیامبرﷺ می‌فرماید: «لَو لَمْ تُذْنِبُوا لَذَهَبَ اللهُ بِكُمْ وَ لَجَاءَ بِقَومٍ يَذْنِبُونَ ثُمّ يَستَغْفِرُونَ اللهَ فَيَغْفِرُ لَهُمْ».[1]

«اگر شما مرتکب گناه نمی‌شدید، خداوند شما را از میان برمی‌داشت و قومی را می‌آورد که گناه انجام دهند و پس از آن از خداوند طلب مغفرت کنند و خداوند نیز گناهان آنان را ببخشد».

۳. انجام اعمال نیک از قبیل نماز، روزه، صدقه و...

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرَى لِلذَّاكِرِينَ﴾.[2]

«بی‌گمان نیکی‌ها (و از جمله نمازهای پنجگانه) بدی‌ها را از میان می‌برد».

٤. دعای مؤمنان در حق فرد مؤمن: مانند دعای مغفرت و خواندن نماز جنازه و طلب شفاعت در حق فرد مؤمن.

٥. شفاعت پیامبرﷺ

رسول اکرمﷺ می‌فرماید: «شَفاعَتِي لِأَهْلِ الكَبائِرِ مِنْ أُمَّتِي».[3]

«شفاعت من در حق امتم (که خداوند متعال به من وعده داده است) برای کسانی است که به سبب گناهان کبیره (موجب آتش جهنم شده‌اند)».

---

۱. «مختصر صحیح مسلم» نووی شماره‌ی حدیث ۱۹۲۲، ص۵۱۱.

۲. هود/۱۱۴.

۳. جامع الأصول ۴۷۶/۱۰، شماره‌ی حدیث ۸۰۱۲.

٦. مشکلات و گرفتاری‌ها سبب پاکی گناهان

پیامبرﷺ می‌فرماید: «ما يُصيبُ المؤمنُ مِنْ وَصَبٍ وَ لا نَصَبٍ وَ لا هَمٍّ وَ لا حُزنٍ إلاّ كَفَّرَ اللهُ بِها مِنْ خَطاياهُ».[1]

«هیچ سختی و مشقت و ناراحتی و اندوهی به انسان مؤمن نمی‌رسد مگر آن که خداوند آن را موجب از بین رفتن گناهانش قرار می‌دهد».

۷. رحمت و عفو، بخشش خداوند در حق بندگان[2]

ابن رجب رحمه الله می‌گوید: هر کس بعد از بیان موارد ذکر شده به گناه روی آورد جز نفس خویش را ملامت نکند.

۸. گذاشتن او در قبر و خاک بر وی انداختن، ترس و وحشت و تاریکی قبر.[3]

## چگونه می‌توان نفس خویش را از تمایل به گناهان برحذر داشت؟

ابن‌قیم رحمه الله می‌گوید:[4] اموری که نفس انسان را از تمایل به گناهان حفظ می‌کند عبارتند از:

۱. علم به این که خداوند متعال از اعمال ظاهری و باطنی انسان به طور کامل مطلع است.

---

۱. مختصر صحیح مسلم، نووی شماره‌ی حدیث ۱۷۹۸، ص۴۷۷.

۲. تسلية أهل المصائب، ص۲۵۰.

۳. نگاه: «الایمان الاوسط» ابن‌تیمیه، ص۴۳ـ۲۹.

۴. نگاه: «طریق الهجرتین و باب السعادتین». ابن‌قیم، ص۱۷۶ـ۱۷۵.

۲. شرم و حیا از خداوند متعال.

۳. یقین بر این که خداوند انسان را می‌بیند و همانند اعمال و کردار انسان از او مطلع است.

٤. ترس از خداوند متعال

۵. قرار دادن محبت خداوند متعال در دل.

٦. بیم داشتن از این که فکر و اندیشه‌های درون انسان موجب پلیدی و بدطینتی گردد و محبت و ایمان به خدا را از درون پاک گرداند.

۷. درک کردن این مسأله که اندیشه و خیال‌های درون به مانند دانه‌ای است که پرندگان در کمین آن قرار گرفته‌اند و هر لحظه نزدیک است توسط پرندگان خورده شود.

۸. درک کردن این موضوع که امیال پست و پلید با فکر و اندیشه‌های ایمانی در قلب انسان با هم جمع نمی‌شود.

۹. فرو نرفتن در خیالات شیطانی چرا که به مانند بحری است که ساحل ندارد که هرگاه در قلب انسان نفوذ کند انسان را به وادی نابودی می‌کشاند.

۱۰. پی بردن به این موضوع که امیال و هواهای نفسانی آرزوی جاهلان و نادانان است و ثمره‌ای جز پشیمانی ندارد. پناه به خداوند متعال از مبتلا شدن به آرزوهای نفسانی.

## به رویدادی که پادشاه ایران انوشیروان با آن روبرو شد توجه کن.

روزی انوشیروان همراه عده‌ای از اطرافیانش برای شکار بیرون می‌روند. به علت مشغول شدن به اسب سواری، اطرافیانش را گم می‌کند و تشنگی به او دست می‌دهد و به باغی می‌رسد و هنگامی که وارد باغ می‌شود به پسر بچه‌ای که در آن‌جا بود می‌گوید: اناری را بچین و به من بده، پسر بچه اناری به او تقدیم می‌کند. انوشیروان او را نصف می‌کند و از شیرین بودن انار تعجب می‌کند. تصمیم می‌گیرد که باغ را از صاحبش بخرد.

برای بار دوم به پسر بچه می‌گوید: انار دیگری برایم بچین پسر بچه انار دیگری تقدیم می‌کند.

انوشیروان آن را نصف می‌کند ناگهان متوجه‌ی کرمی داخل انار می‌شود! انوشیروان گفت: ای بچه چرا انار کرم زده است؟

پسر بچه جواب می‌دهد: چه بسا پادشاه تصمیم ظلم دارد و به خاطر شومی گناهش انار کرم زده است. پس انوشیروان متوجه‌ی درون خویش می‌گردد و از تصمیم خود منصرف می‌شود.

انوشیروان برای بار سوم به پسر بچه می‌گوید: اناری بده، هنگامی که انار را نصف می‌کند انار از بار اول شیرین‌تر و پر آب‌تر می‌باشد!

به پسر بچه می‌گوید: چرا انار این قدر پرآب و شیرین است؟

پسر بچه جواب می‌دهد: چه بسا پادشاه از ظلم خویش توبه کرده است.

ثوبان از رسول اکرم ﷺ روایت می‌کند که فرمود: «لأَعْلَمَنَّ أَقواماً مِنْ أُمَّتي يَأْتُونَ يَومَ القِيامة بَحَسَناتٍ أَمثَالِ جِبَالِ تِهامَةَ بَيضاً، فَيجعَلُها اللهُ (عزوجل) هباءً مَنفوراً!» قال: ثوبانُ: يا رسولَ الله: صِفهُم لنا، جَلِّهِمْ لَنا، أن لا نكوُنَ مِنهُمْ و نَحْنُ لا نعلَمُ، قال: «أَما أَنَّهم إخوانُكُم مِن جِلدَتِكُمْ وَ يأخُذونَ مِن اللَّيلِ ما تأخُذُونَ وَلكِنَّهُمْ أَقوامٌ إذا خَلَوا بِمَحارِمِ اللهِ انتَهَكُوهَا».[1]

«به من خبر داده شد که گروهی از امت من در روز قیامت با کارهای نیک و درخشنده‌ای به بزرگی و سفیدی کوه تهامه حاضر می‌شوند. پس خداوند عزوجل آن‌ها را هم چون گرد و غباری پراکنده می‌کند. ثوبان گفت: ای رسول خدا آن‌ها را برایمان توصیف کنید و برایمان آشکار سازید تا مبادا ما از آن‌ها باشیم در حالی که خودمان از آن‌ها اطلاع نداریم. سپس فرمودند: این افراد برادران شما در خلقت و ظاهر هستند (در خلقت و آفرینش همانند شما هستند) و شبانه همان کارهایی را انجام می‌دهید که آن‌ها انجام می‌دهند و با این تفاوت که آن‌ها هرگاه به محارم خداوند دست پیدا کردند آن‌ها را انجام می‌دهند (بی‌حرمتی به محارم پروردگار می‌کنند)».

أبودرداء ﷺ می‌گوید: انسان نباید (عملی را انجام دهد) که قلب انسان‌های مؤمن او را لعنت کنند به طوری که خودش هم متوجه‌ی آن لعنت نگردد!

۱. ابن‌ماجه با سند صحیح، ج۲، شماره‌ی حدیث۱۴۱۸.

سپس ابودرداء﷜ گفت: آیا می‌دانید در مورد چه کسی صدق می‌کند؟

گفتم: نمی‌دانم.

ابودرداء﷜ گفت: در مورد کسی است که در خلوت نافرمانی خداوند متعال را می‌کند. در این حالت پروردگار بغض و کینه را به نسبت او در قلب انسان‌های مؤمن قرار می‌دهد، به طوری که خود هم متوجه آن نمی‌شود.[1]

ابن‌جوزی﵀ می‌گوید: از بزرگ‌ترین امتحان و آزمایش الهی آن است که فرد بعد از آن که مرتکب گناه و نافرمانی شد به سلامتی خود مغرور باشد (بدین‌معنا که با وجود مرتکب شدن گناه بلا و مصیبتی متوجه‌ی او نگردد) همانا کیفر از جانب خداوند به تأخیر می‌افتد. و از بزرگ‌ترین کیفر است که انسان احساس آن کیفر را نکند که موجب سلب دین و کوری قلب می‌گردد.[2] پناه به خداوند عزوجل از چنین کرداری.

۱. الجواب الکافی ابن قیم، ص۴۷.

۲. حدیث صحیح، نگاه: النوافخ العطرة از صفدی، ص۸۶.

## فصل هشتم:

## کیفر گناهان هر چند که به تأخیر هم بیفتد واقع می‌شود

شکی نیست که کیفر اعمال نیک و بد حتماً واقع می‌شود. غرور و تکبر فرد گناهکار آن است، که چون مورد کیفر و بازخواست خداوند متعال واقع نشده است گمان می‌کند که پروردگار او را مورد عفو قرار داده است. چه بسا که کیفر تا مدتی یا تا آخرت به تأخیر می‌افتد و بسیار کم هستند کسانی که مرتکب گناه می‌شوند و کیفر آن را نچشند.

پس انسان گناهکار باید همیشه در انتظار مجازات گناهی که مرتکب شده است باشد چرا که بسیار بعید است که از آن در امان بماند و کیفر اعمال خویش را نبیند پس باید انسان از عملی که مرتکب شده است توبه کند و پشیمان گردد.

با وجود آن که فرد توبه کرده است باید از مؤاخذه گناه بترسد چرا که خداوند متعال در حالی که توبه‌ی انبیاء گذشته را قبول کرده است باز هم هنگامی که مردم در روز قیامت برای شفاعت پیش پیامبرانی مانند ابراهیم و موسی علیهما السلام می‌آیند می‌گویند گناهم (یعنی در دنیا مرتکب گناه شده‌ام). اگر کسی سؤال کند که خداوند متعال

چنین می‌فرماید: ﴿وَ مَنْ يَعْمَلْ سُوءاً يُجْزَ بِهِ﴾.[۱]

«هر کس کار بدی بکند در برابر آن کیفر داده می‌شود».

بدین‌معناست که خداوند کیفر کار بد را می‌دهد و گناهکار را مؤاخذه می‌نماید در حالی که می‌دانیم کسی که توبه کند پروردگار جهانیان توبه‌اش را قبول می‌کند و و گناهانش را عفو می‌کند؟

ما چنین جواب می‌دهیم.

الف) در مورد کسی است که بر گناهان اصرار داشته باشد و توبه نکند. چرا که توبه، کفر و گناهان ما قبل خود را از بین می‌برد.

ب) هنگامی که آیه‌ی ﴿وَ مَنْ يَعْمَلْ سُوءاً يُجْزَ بِهِ﴾.[۲] نازل شد ابوبکر گفت: ای رسول خدا در مقابل هر کاری که انجام می‌دهیم مؤاخذه می‌شویم؟ پیامبر ﷺ فرمودند: بله هرگاه که مریض می‌شوید یا مصیبتی به شما می‌رسد این‌ها مؤاخذه گناهانتان هستند.

بدین‌معنا که مؤمن هنگامی که توبه می‌کند و پشیمان می‌شود، تأسف و ندامت بر گناهان از هر کیفری او را کفایت می‌کند پس وای بر کسی که تلخی جزای همیشگی گناه را می‌داند، و آن را بر لحظه‌ای از لذت گناه بر می‌گزینند!

## فریفته شدن به رحمت خداوند متعال جهل است

عده‌ای از مردم به رحمت خداوند متعال فریفته می‌شوند و می‌گویند خداوند عزوجل بخشنده و مهربان است، و تنها به رحمت

---

۱. نساء/۱۲۳.

۲. نساء/۱۲۳.

خداوند عزوجل بسنده می‌کنند و فراموش می‌کنند که خداوند گناهکاران را مؤاخذه می‌کند.

ابوعمروبن علاء چنین بیان می‌کند: که روزی فرزدق در کنار قومی که در مورد رحمت خداوند متعال بحث و گفتگو می‌کردند نشست. به طوری که فرزدق بسیار امیدوار به رحمت خداوند بود.

به او گفتند: چرا به زنان پاک دامن نسبت فحشا می‌دهید؟

فرزدق گفت: به من بگوئید اگر به نسبت پدر و مادرم گناهی مرتکب شوم و من را ببینند که در تنوری از اخگر می‌سوزم آن‌ها چکار می‌کنند: گفتند: آن‌ها به شما رحم می‌کنند فرزدق گفت: من از مهربانی پدر و مادرم بیشتر به خداوند متعال اطمینان دارم که به من رحم می‌کند!

ابن‌جوزی رحمه الله در مورد این داستان چنین می‌گوید:[1] که رحمت خداوند همانند مهربانی و خوشرویی انسان‌ها نیست. اگر چنین باشد خداوند متعال هرگز بچه خردسال را نمی‌میراند و کسی را وارد جهنم نمی‌کرد. خطای انسان در این‌جا در دو مورد است.

الف) تنها به رحمت خداوند فکر می‌کند و جانب کیفر گناهان را فراموش کرده است.

ب) فراموش کرده که رحمت خداوند متعال شامل حال توبه‌کنندگان است هم چنان که خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَ إِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَنْ تَابَ﴾.[2]

---

۱. تلبیس ابلیس، ابن‌جوزی، ص۳۹۲-۳۹۱.

۲. طه/۸۲.

«من قطعاً (با غفران عظیمی که دارم) می‌آمرزم کسی را که (از کفر و گناه خود) برگردد».

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ﴾.[1]

«و رحمت من همه چیز را در برگرفته. (و در این سرای، شامل کافر و مؤمن می‌گردد، اما در آن سرای) آن را برای کسانی مقرر خواهم داشت که پرهیزگاری کنند».

در این دوران از بعضی مردم شنیده می‌شود که هرگاه جوانی گناهی را مرتکب شد می‌گویند فلانی جوان است خداوند متعال بخشنده و مهربان است گناهانش را می‌بخشد در حالی که فراموش کرده‌اند که خداوند عزوجل به شدت عذاب دهنده است.

---

۱. اعراف/۱۵۶.

# فصل نهم:

## راه نجات شوم گناهان در چیست؟

موضوع بحث ما در مورد شوم گناهان و سبب فزونی گناهان در جامعه می‌باشد؛ این بدان معنا نیست که انسان از رحمت خداوند متعال ناامید و مأیوس گردد، بلکه هشداری است به خطر گناهان و وجوب ارتباط با پروردگار در هر حال می‌باشد:

در حدیث قدسی پیامبرﷺ چنین می‌فرماید: **«أَذْنَبَ عَبْدِي ذَنباً فقالَ: اَللَّهُمَّ إغفِرلِي ذَنْبي. فَقالَ تَبارکَ وَ تَعالی: أَذْنَبَ عَبدِي ذَنْباً فَعَلِمَ أَنَّ لَهُ رَبّاً یَغْفِرُ الذَّنبَ وَ یَأخُذُ بِالذّنْبِ، ثُمَّ عَادَ فَأَذْنَبَ فقالَ: أَيْ رَبِّ اغْفِرلِي ذَنْبِي، فَقالَ تَبارَکَ و تَعالی: عَبْدِي أَذْنَبَ ذَنْباً فَعَلِمَ أَنَّ لَهُ رَبّاً یَغْفِرُ الذَّنبَ وَ یَأْخُذُ بِالذَّنْبِ، ثُمَّ عادَ فَأَذْنَبَ فَقالَ: أَيْ رَبِّ اغْفِر لِي ذَنْبِي، فَقالَ تَبارَکَ وَ تَعالی أَذْنَبَ عَبْدي ذَنْباً فَعَلِمَ أَنَّ لَهُ رَبّاً یَغْفِرُ الذَّنب وَ یَأْخُذُ بِالذَّنْبِ، إِعْمَلْ مَا شِئْتَ فَقَدْ غَفَرْتُ لَکَ».**[1]

«بنده‌ی من گناهی انجام داد، پس گفت: پروردگارا! گناهم را ببخش، خداوند متعال فرمود: بنده‌ام گناهی انجام داد و دانست که

---

۱. مختصر صحیح مسلم نووی شماره‌ی حدیث۱۹۳۵، ص۵۱۴.

پروردگاری دارد و گناه را می‌بخشد و بر آن مؤاخذه می‌کند. سپس دوباره این کار را تکرار کرد و مرتکب گناه شد و گفت: پروردگارا! گناهم را ببخش، خداوند متعال فرمود: بنده‌ام گناهی را انجام داد و دانست که پروردگاری دارد و گناه را می‌بخشد و بر آن مؤاخذه می‌کند؛ سپس تکرار کرد و مرتکب گناه شد و گفت: خدایا! گناهم را ببخش، خداوند متعال فرمود: بنده‌ام گناهی را انجام داد و دانست که پروردگاری دارد که گناه را می‌بخشد و بر آن مؤاخذه می‌کند؛ (ای بنده‌ی من!) هر چه می‌خواهی انجام بده، که همانا تو را بخشیدم».

حدیث ذکر شده بیانگر این مطلب است که تنها انسان‌های ظالم و ستمگر از رحمت خداوند ناامید می‌گردند، چرا که انسان مسلمان از رحمت خداوند متعال ناامید نمی‌گردد، و ارتباط و ذکر و یاد پروردگار سبب آمرزش گناهان می‌گردد. و مهربانی و توبه‌پذیری از صفات خداوند متعال می‌باشد که دلالت بر رحمت و مغفرت آن ذات می‌کند. اما شایسته‌ی انسان عاقل است که هر چند توبه هم کرده باشد ترس پروردگار را در دل داشته باشد چرا که به نسبت قبول توبه از طرف خداوند متعال اطلاعی ندارد.

ابن‌جوزی رحمه الله می‌گوید:[1] عده‌ی زیادی از مردم هستند که به قبولی توبه اطمینان خاطر دارند در حالی که جز خداوند از آن مطلع نیست. اگر چنین فرض کنیم که توبه‌یشان مورد درگاه خداوند

۱. صیدالخاطر، ابن‌جوزی، ص ۳۳۱ـ۳۳۰.

متعال واقع شده است اما شرمندگی عملی که مرتکب شده‌اند هنوز باقی مانده است.

در احادیث بیان شده که مردم در روز قیامت برای حساب‌رسی از جانب خداوند متعال، پیش آدمؑ می‌روند، آدمؑ می‌گوید: گناهم (به گناهی که در دنیا مرتکب شده اقرار می‌کند و هر چند که از آن توبه کرده باز هم از آن ترس دارد) و بعد پیش نوح، ابراهیم و موسی و...ؑ می‌روند همگی همانند آدمؑ جواب می‌دهند.

هر چند که آن پیامبران گناه چندانی مرتکب نشده‌اند و از آن هم توبه کرده‌اند و توبه‌یشان هم قبول شده است اما باز هم از گناهی که مرتکب شده‌اند ترس دارند و بعد از قبول توبه از ارتکاب آن گناه خجالت می‌کشند.

فضیل‌بن عیاض رحمه الله می‌گوید:[1] حسرت و ندامت بر تو، هر چند که پروردگار گناهت را بیامرزد. زیرا کسی که گناه اختیار کرده است و لذت گناه را لحظه‌ای چشیده است، حسرت آن گناه در درون انسان مؤمن باقی می‌ماند هر چند خداوند متعال او را عفو کرده باشد.

هرگاه انسان ترس گناهی را که مرتکب شده است در دل داشت و به دنبال آن عمل نیکی انجام داد و خود را متعهد کرد که با انجام اعمال نیک آن گناه را محو کند گناهی که مرتکب شده است سبب وارد شدن بهشت می‌گردد! اما باید اندیشید که چطور سبب وارد

---

۱. صیدالخاطر، ابن‌جوزی، ص۳۳۱.

شدن بهشت می‌گردد؟

ابراهیم‌ابن ادهم رحمه الله در تفسیر آیه‌ی ﴿وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّتَانِ﴾.[1]

«هر کسی که از مقام پروردگار خود بترسد، باغ‌هایی (در بهشت) دارد».

هرگاه که خواست گناهی مرتکب شود ترس و خوف خداوند متعال او را باز می‌دارد.[2]

امام حسن رضی الله عنه می‌گوید: که پیامبر ﷺ فرمودند: «إِنَّ العَبْدَ لَيذْنِبُ الذَّنْبَ فَيُدخِلُهُ اللهُ بِهِ الجَنَّةَ قالوا: يا رَسُولَ الله و كَيفَ يَدْخُلُهُ الجَنَّةَ؟ قال: يَكُونُ نَصْبَ عَينِهِ فاراً تائباً، حَتّى يَدخُلَهُ ذَنْبُهُ الجَنَّةَ».[3]

«همانا بنده‌ای گناهی مرتکب می‌شود پس خداوند متعال به سبب آن او را وارد بهشت می‌کند: گفتند: ای رسول خدا چگونه خداوند متعال او را وارد بهشت می‌کند؟ پیامبر فرمودند:[4] «در حالی که از گناهانش بیزار است (توبه کنان گناهان را) در مقابل خویش می‌بیند تا این که گناهش او را وارد بهشت می‌کند».

از سعید پرسیده شد: عابدترین مردم چه کسی است.

گفت: کسی که گناهی را مرتکب شده، هر وقت گناهش به

---

۱. رحمن/۴۶.
۲. الزهد امام احمد، ص۴۳۷.
۳. صیدالخاطر، ابن‌جوزی، ۳۳۱.
۴. الزهد للإمام احمد، ص۴۷۴.

یادش می‌آید عمل (نیک) خویش را کوچک می‌شمارد.

هر گاه می‌خواهی از شومی گناهان نجات پیدا کنی خود را ملزم به استغفار و انجام اعمال نیک بگردان و همیشه به نسبت گناهی که مرتکب شده‌ای از آن ترس داشته باشد. حُسن عاقب را از خداوند متعال برای همگی خواستارم.

کتاب را با این داستان به پایان می‌برم: شبی سفیان ثوری رحمه الله تا صبح گریه کرد.

صبح به او گفتند: آیا گریه‌ی امشب همگی به خاطر ترس از گناه بود؟

سفیان پَر کاهی را از زمین برداشت و گفت: گناهان از این پَر کاه سبک‌ترند. من تنها به خاطر ترس از سوءخاتمه گریه می‌کردم!

ابن‌قیم رحمه الله در این مورد می‌گوید: این نشانه‌ی علم و آگاهی انسان است که بداند گناهان، در هنگام مرگ او را فریب داده و مانع حُسن خاتمه‌ی (عاقبت به خیری) او می‌گردند.[۱]

۱. حدیث صحیح، نگا: النوافخ العطرة للصفدی، ص۸۶

## فصل دهم:

## اموري كه پيامبرﷺ از آن‌ها نهي كرده است.[1]

### كبر و خودپسندی

«لا يَدخُلُ الجَنَّةَ مَن كانَ فِي قَلْبِهِ مِثقالُ ذَرَةٍ مِن كِبرٍ».

«هر کس به اندازه‌ی ذرّه‌ای کبر و خودپسندی در دلش باشد وارد بهشت نمی‌شود (بدین‌معنا که حق مردم را پایمال کند و مردم را حقیر پندارد».

### ریا کاری

«مَنْ سَمَّعَ سَمَّعَ اللهُ بِهِ، وَ مَن يُرَائِي يُرَائِي اللهُ بِهِ».

«هر کس (کاری را در پنهان انجام دهد و بعد با هدف ریا آن را) برای مردم بازگو کند خداوند متعال او را در روز قیامت رسوا می‌کند. و هر کس به منظور تظاهر و ریا (کاری را در میان دیگران انجام دهد) خداوند رازش را آشکار می‌کند».

---

۱. تمامی احادیث ذکر شده دارای سند صحیح می‌باشند.

## کسب علم به خاطر دنیا

«مَنْ تَعَلَّمَ عِلماً مِمّا يُبْتَغي بِهِ وَجْهُ الله عزوجل لا يَتَعَلَّمُهُ إلاّ لِيُصيبَ بِهِ عَرَضاً مِن الدّنيا لَمْ يَجِدْ عَرْفَ الجَّنةِ يومَ القِيامَةِ».

«هر کسی علمی را که با آن (خشنودی) خداوند کسب می‌شود برای به دست آوردن منافع دنیوی بیاموزد در روز قیامت بوی بهشت به او نخواهد رسید».

## شریک قرار دادن برای خداوند متعال

«قال الله تعالی: أنا أغنَى الشُّركاءِ عَنِ الشّركِ، مَنْ عَمِلَ عَمَلاً أشرَكَ فِيهِ مَعِي غَيرِي تَرَكْتُهُ وَ شِرْكَهُ».

«خداوند متعال می‌فرماید: من بی‌نیازترین شریکان از شراکت هستم و هر کس کاری را انجام دهد که در آن، غیر من را شریک من قرار دهد، او را با شرکش تنها می‌گذارم».

## ترک نماز عصر

«مَن تَرَكَ صَلاةَ الْعَصْرِ حَبِطَ عَمَلُهُ».

«هر کس نماز عصر را ترک کند اعمالش تباه می‌گردد».

## ترک نماز جمعه

«مَنْ تَرَكَ الجُمُعَةَ ثلاثَ مرَّاتٍ تَهاوناً بِها طَبَعَ اللهُ علی قَلبِهِ».

«هر کس سه نماز جمعه را (پشت سر هم) از روی سهل‌انگاری

(بدون عذر شرعی) ترک کند، خداوند متعال قلب او را مُهر می‌زند».

## کوتاهی در نمازها

«العَهدُ الذَّي بَينَنَا وَ بَينَهُم الصّلاةُ فَمَن تَرَكَها فَقَد كَفَرَ».

«نماز عهد و پیمانی است میان ما و بندگان، پس هر کس آن را ترک کند کافر می‌گردد».

«بَينَ الرَّجُلِ و الشِّركِ تَركُ الصّلاةِ»

«آن چه میان انسان، و کفر و شرک، فاصله می‌اندازد، ترک نماز است». (مرز میان انسان و شرک، ترک نماز است)

## عدم پرداخت زکات

«ما مِن صَاحِبِ ذَهَبٍ وَ لافِضَّةٍ لا يُؤَدِّي مِنهَا حَقَّهَا إلاَّ إذا كـانَ يَـومُ القيامَةِ صُفِّحَتْ لَهُ صَفائِحَ مِن نارٍ فَأُحْمِيَ عَلَيها في نار جَهَنَّم فَيُكوَى بِهـا جَنبُهُ وَجَبِينُهُ وَ ظَهْرُهُ كُلَّما بَرَدَت أُعِيدَتْ لَهُ في يومٍ كانَ مِقدارُهُ خـمسِين ألفَ سَنَةً حَتَّى يُقضَى بينَ العِبادِ فَيَرَى سَبيلَهُ إمَّـا إلـى الجَنَّـةِ وَ إمـا إلـى النّارِ».

«هر صاحب طلا و نقره‌ای که زکات آن‌ها را ندهد، روز قیامت، (آن طلا و نقره) برایش به ورق‌های آتشین، تبدیل شده با آتش جهنم گرم می‌شوند و به وسیله‌ی آن‌ها پهلوها و پیشانی و پشتش داغ می‌گردد. و هر گاه، سرد شوند، دوباره داغ می‌شوند. و این

حالت در روزی که به اندازه‌ی پنجاه هزار سال است تکرار می‌شود تا این که میان بندگان حساب‌رسی می‌شود، پس راهش را به سوی بهشت و یا جهنم مشاهده می‌کند».

**جاسوسی کردن**

**«مَن استَمَعَ إلى حديثِ قومٍ وَ هُم لَهُ كارِهُونَ أو يَفِرّونَ مِنه صُبَّ في أُذُنِهِ الآنك يومَ القِيامَةُ».**

هر کس به سخن مردمی گوش فرا دهد که آن‌ها از او ناراضی هستند یا (از ترس گوش دادن به سخنان از آن فرد) او فرار می‌کنند در روز قیامت در گوش‌هایش سُرب ریخته خواهد شد».

**سخنی‌چینی (کسی که سخنان را به منظور تباه شدن روابط مردم پخش می‌کند)**

**«لا يَدخُلُ الجَنَّةَ نَمّامٌ».**

«سخن‌چین وارد بهشت نمی‌شود».

**غیبت کردن (یاد نمودن از برادر مسلمان در غیاب او به بدی)**

**«لَمّا عَرَجَ بي رَبِي عَزّوَجَلَ مَرَرتُ بِقَومٍ لَهُم أظفارٌ مِن نُحاسٍ يَخمِشُونَ وُجوهَهُم وَ صُدُورَهم فَقلتُ: مَن هؤلاءِ يا جِبرِيلُ؟ قال: هؤلاءِ الّذِينَ يَأكُلُونَ لحُومَ النّاسِ و يَقعُونَ في أعراضِهِم».**

«هنگامی که خدای عزوجل من را به معراج (دعوتم فرمود) از

کنار قومی گذشتم ناخن‌های مسی (آهنی) داشتند و سینه و صورت خود را با آن می‌خراشیدند. گفتم: ای جبرئیل: آنان چه کسانی هستند؟ گفت: آنان کسانی هستند که گوشت مردم را می‌خورند (غیبت می‌کنند) و از آبرو و ناموس مردم (عیب‌جویی) می‌کنند».

## لعنت کردن مؤمن

**«لَعْنُ المؤمِن كَقَتلِهِ».**

«لعنت کردن فرد مؤمن همانند کشتن اوست».

**«لا يَكُونُ اللَّعَّانُونَ شُفَعَاءَ و لا شُهَدَاءَ يَومَ الْقِيَامَةِ».**

«لعنت‌کنندگان در روز قیامت نه شفاعت کننده هستند و نه قادر به شهادت می‌باشند».

## حسادت

**«إياكُم وَ الحَسَدَ فإنَّ الحَسَدَ يأكُلُ الحَسَناتِ كَما تأكُلُ النّارُ الحَطَبَ، أو قال: العُشبَ».**

«از حسد بپرهیزید زیرا همان‌گونه که آتش، هیزم (گیاه و علف) را نابود می‌کند حسد، نیکی‌ها را از بین می‌برد».

## کافر شمردن فرد مسلمان

**«إيُّمَا رَجُلٍ قال لِأخِيهِ: يا كافِرُ فَقَد بآءَ بِهَا أَحَدُهُما، فإن كانَ كَما قال وَ إلا رَجَعَت عَلَيهِ».**

«هر کس به برادر (مسلمانش) بگوید: ای کافر (او را کافر بداند) کفر به یکی از طرفین برمی‌گردد اگر فرد مخاطب آن‌گونه (کافر) باشد که مورد خطاب واقع شده (اشکالی ندارد) در غیر این صورت صفت کفر به خود او (گوینده) برمی‌گردد».

## ترساندن مسلمان

**«لا يَحِلُّ لِمُسْلِمٍ أنْ يُرَوِّعَ مسلماً».**

«برای انسان مسلمان جایز (حلال) نیست که (برادر) مسلمانش را بترساند».

**«مَنْ أشارَ إلى أَخِيه بِحَدِيدةٍ فَإنَّ الملائِكَةَ تَلْعَنُهُ حَتَّى يَدَعَها».**

«کسی که با آهنی (شمشیر، نیزه ...) به سوی برادرش اشاره کند (او را بترساند) تا زمانی که از این کار دست بر می‌دارد فرشتگان او را لعنت می‌کنند».

## برملا کردن راز مسلمانان

**«إنَّ مِن أشَرِّ النّاسِ عَنْد الله مَنزلَةً يَومَ القيامَةِ الرَّجُلُ يُفضي إلى إمرَأتِهِ و تُفضي إليهِ ثُمَّ يَنشُرُ سِرَّها».**

«بدترین مردم در نزد خداوند متعال در روز قیامت مردمی است که با همسرش همبستری می‌کند و زن با شوهرش همبستری می‌کند سپس اسرار وی را در میان مردم فاش می‌کند».

### ربا خوردن

«لَعَنَ رَسُولُ اللهﷺ آكِلُ الرِّبا وَ مُؤكِلَهُ».

«رسول خداﷺ رباخوار و ربادهنده را لعنت کرده است».

«دِرهَمُ رِبَا يأكُلُه الرَّجُل وَ هُوَ يَعْلَمُ اَشَدُّ مِن سِتَّةٍ و ثلاثِينَ زَنْيَةً».

«درهمی از (مال) ربا که فرد آن را می‌خورد و از آن با خبر است (که مال ربا است قبحش) از سی و شش زنا بیشتر است».

### معتاد به شراب خواری

«لا يدخُلُ الجَّنةَ صاحِبُ خمسٍ: مُـدمِنُ خمـرٍ وَ لا مُـؤمِنُ بِسـحرٍ وَ لا قاطعُ رَحِمٍ و لا كاهِنٌ و لا مَنَّانٌ».

«پنج گروه وارد بهشت نمی‌شوند: معتـاد بـه شـراب، معتقـد بـه سحر و جادو و قطع‌کننده‌ی پیوند خویشاوندی کـاهن (غیـب‌گـو)، منت‌گذار».

### خوشبویی زن در بیرون از منزل

«كُلُّ عَينٍ زانيةٌ وَ المرأةُ إذا استَعْطَرَتْ فَمَرَت بـالمَجلِسِ فَهِـيَ كـذا وَ كذا يَعني زانيَةً».

«هر چشمی زنا می‌کند و زنی که خویش را خوشبو (عطـرآگین) کند و از کنار گروهی (بیرون از خانه از قبیل بازار و...) می‌گـذرد او هم، این چنین زناکار است».

### نگاه کردن به نامحرم

**«کُتِبَ عَلَی ابنِ آدَمَ نَصِیبُهُ مِنْ الزِّنَـا مُـدرِكٌ ذلِـكَ لا مَحَالَـةَ فالعَینـانِ زناهُما النَّظَرُ، وَ الأُذُنانِ زِنَاهُما الاستِماعُ وَ اللِّسَانُ زِناهُ الکلامُ و الیَدُ زِناها ... و القلبُ یَهوَی وَ یَتَمَنّی وَ یُصَدِّقُ ذلك الفَرجُ وَ یُکَذِّبِهِ».**

«هر انسانی نصیبی از زنا برای او مقدّر شده که حتماً آن را انجام می‌دهد. زنای چشمان نگاه کردن (به نامحرم) است. زنای گوش‌ها گوش دادن (به محرّمات) است. زنای زبان گفتار (ناروا و...) است. زنای دست (گرفتن مال حرام و...) است همواره دل هوس می‌کند و آرزوی چیزی را در خود می‌پروراند و شرمگاه آن را تائید یا تکذیب می‌کند (یعنی آن آرزو عملی می‌شود یا عملی نمی‌گردد)».

### خلوت گزیدن با نامحرم

**«لا یَخْلُوَنَّ أَحَدُکُم بإمرأةٍ فَإِنَّ الشّیطانَ ثالِثُهُما».**

«هیچ یک از شما با زن (بیگانه) خلوت نکند (زیرا که) شیطان سومین آن‌هاست».

(مبادا کسی از شما با زن بیگانه‌ای خلوت کند زیرا که شیطان سومین آن‌هاست).

### عمل لواط (نر بازی)

**«لَعَنَ اللهُ مَن عَمِلَ عَمَلَ قَومَ لُوطٍ».**

«خداوند کسی که عمل قوم لوط را انجام دهد لعنت کرده است».

«مَنْ وَجَدْتُمُوه يَعمَلُ عَمَلَ قَوْمٍ فاقتُلُوا الفاعِلَ و المفعُول بِهِ».

«هر کس را یافتید که مرتکب عمل قوم لوط می‌گردد فاعل و مفعول (هر دو را) بکشید».

## زنا

«فانطَلَقتُ مَعَهُما فإذا بيتٌ مبنيٌّ عَلى بِناءِ التَّنُّورِ، أعلاهُ ضيّقٌ، وَ أسفَلُهُ واسِعٌ، يُوقَدُ تَحتَهُ نارٌ، فيه رِجالٌ و نِساءٌ عُراةٌ، فإذا أُوقِدَتْ اِرْتَفَعُوا حَتّى يَكادُوا أنْ يَخْرُجُوا، فإذا أُخمِدَتْ رَجَعُوا فيهَا فَقُلْتُ: ما هَذا؟ ثُمّ قَالَ: «وَ أَمّا الّذِي رَأَيْتَ فِي التَّنُّورِ؛ فَهُمْ الزُّناةُ».

«(پیامبرﷺ می‌فرماید دو مرد را در خواب دیدم و نزد من آمده و من را به سرزمین مقدسی بردند) همراه آن دو نفر رفتم در این هنگام به خانه‌ای که (مانند) تنوری ساخته شده بود رسیدیم که بالایش تنگ و پائینش گشاد بود و از زیرش آتش شعله‌ور می شد که مردان و زنان لخت در آن بودند. هر وقت آتش برافروخته می‌شد (مردان و زنان) بالا می‌آمدند به طوری که نزدیک بود از آن بیرون آیند، (اما) چون شعله‌های آتش فرو می‌نشست به آن (آتش) باز می‌گشتند. گفتم: این چه وضعیتی است؟ جواب داد: آنانی را که در تنور مشاهده کردید زناکاران بودند».

## مشابهت کردن به جنس مخالف

«لَعَنَ رَسُولُ اللهِﷺ المُتَشبِهاتُ بالرِّجالِ مِن النِّساءِ و المتشبِّهِينَ بِالنِّساءِ مِن الرِّجال».

«پیامبر خداﷺ زنانی که خود را به شکل مردان در می‌آورند و مردانی که خود را به شکل زنان در می‌آورند نفرین و لعنت کرده است».

«مَن تَشَبَّهَ بِقَومٍ فَهُو مِنهِم».

«هر کس خود را به قومی شبیه گرداند از آن‌هاست».

## خال‌کوبی و پیوند موی زنان

«لَعَنَ اللهُ الوَاصِلَةَ و المُستوصِلَة، و الواشِمَةَ و المُستَوشِمَةَ».

«خداوند متعال کسانی را که بر بدن دیگران مو می‌کارند و آنانی که بر بدنشان مو کاشته می‌شود و هم چنین زنی که خالکوبی می‌کند و زنی که به او خالکوبی می‌شود، لعن و نفرین کرده است».

## ازدواج بدون ولی (سرپرست)

«أَيُّمَا إمْرَأَةٍ نَكَحَت بِغَيرِ إِذنِ وَلِيِّهَا فَنِكاحُهَا باطِلٌ فَنِكاحُهَا باطِلٌ فَنِكاحُهَا باطِلٌ».

«هر زنی که بدون اجازه‌ی ولی خویش ازدواج کند نکاحش باطل است، نکاحش باطل است، نکاحش باطل است».

## انتساب به غیر پدر

«مَنْ ادّعَى إلى غَيرِ أَبِيهِ وَ هُوَ يَعلَمُ فَالجَنَّةُ عَلَيهِ حَرَامٌ».

«هر کس خود را به کسی غیر از پدرش منسوب کند و بداند که

آن فرد پدر او نیست بهشت بر او حرام است».

**«فَمَن رَغِبَ عَنْ أَبيه فَهُو كُفرٌ».**

«کسی که از منسوب کردن خود به پدرش روی گرداند مرتکب کفر شده است».

**«يُجاءُ بِالرَّجُلِ يَومَ القيامَةِ فَيُلَقى في النّار فَتَندَلِقُ أَقْتَابُهُ فَيَدُورُ بِهَا كَمَا يَدُورُ الحِمَارُ بِرَحَاهُ، فَيَجْتَمِعُ أهلُ النَّار عَلَيهِ فَيقُولُونَ: يا فلانُ ما شأنك؟ أليسَ كُنتَ تَأمُرُنَا بالمَعرُوفِ وَ تنهَانا عَنِ المُنكَر؟ فَيقُولُ كُنتُ آمُرُكُمْ بِالمَعرُوفِ وَ لا آتِيهِ و أنهَاكُم عَنِ الشَّرِّ وَ آتِيهِ».**

«در روز قیامت مردی را می‌آورند و او را در آتش می‌اندازند پس روده‌هایش از (شکمش) خارج می‌شود و او را با آن روده‌ها هم چون الاغی که دور آسیاب می‌چرخد، می‌چرخانند. اهل دوزخ بر دور او گرد می‌آیند و می‌گویند: ای فلانی چرا به چنین وضعی گرفتار شدید، آیا تو ما را به کارهای نیک امر نمی‌نمودی و از کارهای بد نهی نمی‌کردی؟ او می‌گوید: بلکه شما را به کارهای نیک امر می‌کردم و خود آن را انجام نمی‌دادم و از کارهای بد باز می‌داشتم و خود آن را انجام می‌دادم».

## کتمان علم

**«مَنْ سُئِلَ عَن عِلْمٍ فَكَتَمَهُ أُلجمَ يَومَ القيامَةِ بِلِجَامٍ مِن نارٍ».**

«هر کس از علمی سؤال شود و او جوابش را کتمان کند، در روز قیامت او را بالگامی از آتش، لگام خواهند کرد».

«لَعَن رَسوُل اللهﷺ النائِحَةَ و المُستَمِعَةَ»

«رسول خدا کسی را که نوحه‌سرایی می‌کند و کسی را که بــه آن گوش فرا می‌دهد لعنت کرده است».

## امر به کار ناپسندیده

«مَنْ دَعَا إلی ضَلالَةٍ کان عَلَیهِ مِن الإثمِ مِثلُ آثامِ مَن اتَّبِعَهُ لا یـنقُصُ ذلكَ مِن آثامِهِم شیئاً».

«هر کس به سوی گمراهی فرا خواند گناهی برابر گناه کسانی که از او پیروی می‌کنند نیز به دوش خواهد کشید و این سزا چیـزی از گناه پیروانش نمی‌کاهد».

## سوگند به غیر خداوند متعال

«مَنْ حَلَفَ بِغیرِ الله فَقَدَ کَفَرَ أَو أَشرَكَ».

«هر کس به غیر خدا سوگند یاد کند مرتکب کفر شده یا شــرک ورزیده است».

«مَن کان حَالِفاً فَلْیَحلِف بالله أو لِیَصْمُتْ».

«هر کس (قصد) سوگند خوردن دارد یا به الله سوگند یاد کند یا ساکت شود».

## سوگند به دروغ

«مَن حَلَفَ عَلی یَمین یَقتَطِعُ بَها مَالَ امرئٍ مُسلِمٍ هُوَ عَلَیهَا فاجرٌ لَقِيَ

اللهَ وَ هُوَ عَلَيهِ غَضبَانُ».

«هر کس برای تصاحب مال مسلمانی سوگند یاد کند او به سبب آن سوگند تبهکار بوده و در حالی خداوند متعال را ملاقات می‌کند که پروردگار از او خشمگین است».

## سوگند در معامله

«إِيَّاكُم و كَثرَةَ الحَلِفِ فِي البَيْعِ فإِنَّهُ يُنَفِّقِ ثُمَّ يَمحَقُ».

«از زیاد سوگند خوردن در معامله بپرهیزید، زیرا معامله را رواج می‌دهد سپس آن را نابود می‌سازد».

«الحَلِفُ مُنفَقَةٌ لِلسِّلعَةِ مَمحَقَةٌ لِلبَرَكَةِ».

«سوگند معامله را رواج می‌دهد ولی برکت آن را از بین می‌برد».

## دزدی کردن

«و لا يَسرِقُ السَّارِقُ حِينَ يَسرِقُ وَ هُوَ مُؤمِنٌ».

«هیچ کس در حالی که مؤمن باشد دزدی نمی‌کند».

«لَعَنِ اللهُ السّارِقَ يَسرِقُ البيضَةَ فَتُقطَعُ يَدُهُ؛ وَ يَسرِقُ الحَبلَ فَتُقطَعُ يَدُهُ».

«لعنت خدا بر دزد باد، یک تخم مرغ می‌دزدد، به خاطر آن دستش قطع می‌شود و یک طناب را به سرقت می‌برد و یک دستش قطع می‌شود».

**غصب زمین**

«مَن اقْتَطَعَ شِبراً منَ الأرضِ ظُلماً طَوَّقَهُ اللهُ إيّاهُ يَومَ القيامَةِ مِن سَبع أَرَضِينَ».

«هر کس وجبی از زمین را به ظلم (از کسی) تصرف کند خداوند در روز قیامت همان قسمت از زمین را به اندازه‌ی هفت زمین، به گردن او (مانند گردنبند) آویزان می‌کند».

**گچ کاری قبر**

«نَهى رَسولُ اللهﷺ أنْ يُجَصَّصَ الْقَبرُ وَ أنْ يُقعَدَ عَلَيه وَ أنْ يُبنى عَلَيه».

«پیامبرﷺ از گچ کاری (تزئین) و نشستن بر روی قبر و هم چنین از ساختن بنا بر روی آن نهی فرموده است».

**پیمان‌شکن و خیانت‌کار**

«إذا جَمَعَ اللهُ الأوَّلينَ وَ الآخِرينَ يَومَ القيامَة يُرفَعُ لِكُلِّ غادِرٍ لِواءٌ فَقيلَ: هذِهِ غَدرَةُ فلانِ بنِ فلانٍ».

«هنگامی که خداوند متعال اولین و آخرین (همگان) را در روز قیامت گرد هم می‌آورد برای هر خائنی (پیمان‌شکنی) پرچمی برافراشته می‌گردد و گفته می‌شود این خیانت فلانی فرزند فلانی است (که خیانت کرده است)».

**نشستن بر روی قبر**

«لِأنْ يجلِسَ أحَدُكُم عَلى جَمْرَةٍ فَتُحرِقَ ثيابَهُ فَتَخْلُصَ إلَى جِلْدِهِ خيرٌ

لَهُ مِن أَنْ يَجلِسَ عَلَى قَبرٍ».

«اگر یکی از شما بر روی اخگر آتش بنشیند و لباسش را (طوری) بسوزاند که پوستش آتش را لمس کند بهتر است از این که بر روی قبر بنشیند».

## سوگواری میّت

«لا يَحِلُّ لِإمرَأةٍ تُؤمِنُ باللهِ وَ اليومِ الآخِر أَن تُحِدَّ عَلَى مَيِّتٍ فَوقَ ثلاثٍ إلاّ عَلَى زَوجٍ».

«برای زنی که ایمان به خدا و روز آخرت دارد حلال نیست بیش از سه (شبانه‌روز) برای تعزیه‌ی میّت بنشیند جز برای (زنی که) شوهرش مرده باشد».

## گدایی کردن

«ثلاثةٌ أُقسِمُ عَلَيهِنَّ وَ أُحَدِّثُكُم حَديثاً فاحفَظُوهُ ... وَ لا فَتَحَ عَبدٌ بابَ مسألَةٍ إلاّ فَتحَ اللهُ عَليهِ بابَ فَقر».

«سه گروه هستند که بر آن سوگند یاد می‌کنم و سخنی را به شما می‌گویم، پس آن را حفظ کنید... هر بنده‌ای که دروازه‌ی گدایی را بگشاید خداوند دروازه‌ی فقر را بر وی می‌گشاید».

## خیانت در تجارت

«نَهَى رسولُ اللهِﷺ أنَ يبيعَ حاضِرٌ لِبادٍ وَ لا تَناجَشُوا وَ لايَبيعَ الرَّجُلُ عَلَى بَيعِ أخيهِ».

«رسول خداﷺ از این که شخص مقیم (شهرنشین) کالای شخص بادیه‌نشین (صحرایی) را بفروشد نهی نموده است. (و هم چنین پیامبرﷺ می‌فرماید در بیع تناجش[1] نکنید و بر معامله‌ی برادرتان معامله نکنید. (یعنی اگر برادر مسلمان شما معامله‌ای انجام داد در معامله‌ی وی دخالت نکنید».

## زیارت قبور توسط زنان

«لَعَنَ اللهُ زوّاراتِ القُبُورِ».

«خداوند زنانی را که به زیارت قبور می‌روند لعنت کرده است».

«قَالت أُمُّ عَطيةَ رضي الله عنها نُهِينَا عَن اتِّبَاعِ الجَنَائزِ وَ لَمْ يُعْزَمْ عَلَينا»

«ام عطیه رضي الله عنها می‌گوید: از تشییع جنازه منع شدیم ولی در این کار بر ما سخت‌گیری نشد».

## عدم اجابت شوهر توسط زن

«إذا دَعَا الرَّجُلُ إمرَأتَهُ إلى فِراشِهِ فَأَبَت أنْ تَجِيءَ لَعَنَتْها الملائِكةُ حَتَّى تُصبِحَ».

«هرگاه مردی همسرش را به بستر خود دعوت نموده و زن (بدون عذر شرعی) خودداری کرد فرشتگان تا صبح او را نفرین می‌کنند».

---

۱. تناجش: مثلاً فردی می‌گوید این کالا را پنج تومان می‌خرم ولی دیگری که با صاحب کالا هماهنگی کرده و قصد خرید ندارد می‌گوید من این کالا را هفت تومان می‌خرم تا کالا به قیمت بیشتری به فروش رود. مترجم

**خیانت به زیردستان**

**«ما مِن عَبدٍ يَسْتَرعِيهِ اللهُ رَعيَّةً يَمُوتُ وَ هُوَ غاشٌ لِرَعيَّةٍ إلاَّ حَرَّمَ اللهُ عَلَيهِ الجَنَّةَ».**

«هر بنده‌ای که الله تعالی سرپرستی (قومی) را به او بسپارد و در حالی که به آن‌ها خیانت کرده بمیرد خداوند بهشت را بر او حرام می‌کند».

**فتوی دادن بدون علم**

**«مَن أُفتِيَ بِغَيرِ عِلمٍ كانَ إثمُهُ عَلى مَن أفتاهُ».**

«هر کس بدون علم و آگاهی فتوی دریافت کند گناه او به فتوا دهنده باز می‌گردد».

**تقاضای طلاق توسط زن**

**«أيُّما امرأةٍ سَألَت زَوجَها الطلاقَ مِن غَيرِ ما بَأس فَحَرامٌ عَلَيها رائحةُ الجَنَّةِ».**

«هر زنی بدون هیچ مشکلی از شوهرش درخواست طلاق کند بوی بهشت بر او حرام است».

**گفتاری که باعث غضب خداوند متعال می‌گردد**

**«وَ إنَّ العَبدَ لَيَتَكَلَّمُ بِالكَلِمَةِ مِنْ سَخَطِ الله لا يُلقِي لَها بالاً يَهوي بِها في جَهَنَّمَ سبعينَ خَريفاً».**

«همانا بنده‌ای بی‌باکانه (بدون توجه) سخنی را بر زبـان مـی‌آورد که موجب خشم و غضب الهی شده و باعث می‌شود هفتاد سال در جهنم فرو رود».

## کلام بدون ذکر و یاد خداوند متعال

«لا تُكثِروا الكلامَ بِغَيرِ ذِكرِ اللهِ فَإنَّ كَثرَةَ الكَلامِ بِغيرِ ذِكـرِ اللهِ قَسْـوَةٌ لِلقَلبِ».

«در گفتار بدون ذکر الله زیاده‌گویی نکنید همانـا زیـاده‌گـویی در غیر ذکر خداوند باعث قساوت قلب (سنگدلی) می‌گردد».

(از زیاده‌روی در سخن گفتن پرهیز کنید جز در ذکـر و یـاد الله تعالی، زیرا که زیاده‌روی در سخن گفتن جز در ذکـر خـدا مایـه‌ی سنگدلی می‌شود).

## قهر کردن

«لا يَحِلُّ لِلمُؤمِنِ أن يَهجُرَ أخاهُ فَوقَ ثَلاثَةِ أيَّامٍ».

«برای مؤمن جایز نیست که بیش از سه روز با برادر (مسلمانش) قطع رابطه کند».

«مَن هَجَرَ أَخاهُ سَنَةً فَهُوَ كَسَفكِ دَمِهِ».

«هر کس یک سال با برادر (مسلمانش) قطع رابطه کند گویی که خون وی را ریخته است».

## فحش و ناسزا گفتن

«إنَّ شَرَّ النّاسِ مَنزِلَةً عِندَالله يَومَ القيامَةِ مَن وَدَعَهُ أوْ تَرَكَهُ النّاسُ اتِّقَاءَ فُحشِهِ».

«بدترین مردم از نظر جایگاه و منزلت در روز قیامت نزد خداوند متعال کسی است که مردم از ترس ناسزا گویی (بدزبانی) از او کناره‌گیری کنند».

## پشیمان شدن از هدیه

«العَائدُ في هِبتِهِ كَالكَلبِ يَقيءُ ثُمَّ يَعُودُ في قَيئِهِ».

«کسی که (هدیه‌ای) را می‌بخشد سپس از آن پشیمان می‌شود به مانند سگی است که استفراغ کرده سپس میل به خوردن همان استفراغ می‌کند».

«لا يَحِلُّ لِلَّرجُلِ أن يُعطِيَ عَطِيَّةً ثُمَّ يَرْجِعُ فِيها».

«جایز نیست برای کسی چیزی را ببخشد سپس از آن پشیمان شود».

## جستنِ گمشده در مسجد

«مَن سَمِعَ رَجُلاً ینشُدُ ضالَّةً في المَسجِدِ فَلْیَقُلْ: لا رَدَّها اللهُ عَلَیكَ فإنَّ المساجِدَ لَمْ تُبنَ لِهذا».

«هـر کـس صـدای مـردی را کـه در مسـجد بـرای جسـتجوی گمشده‌اش ندا می‌دهد، بشنود، بگوید: خداوند گمشده‌ات را به تـو برنگرداند. مساجد برای این کار بنا نشده‌اند».

## عبور کردن از جلوی نمازگزار

«لَوْ یَعْلَمُ المَارُّ بَینَ یَدَي المُصَلِّي ماذا عَلَیهِ لکانَ أَنْ یَقِفَ أربعینَ خَیراً لَهُ مِن أنْ یَمُرَّ بینَ یَدَیْهِ».

«اگرکسی که از مقابل نمازگزار عبور می‌کند می‌دانست کـه چـه (عذاب سختی) در انتظار اوست ترجیح مـی‌داد چهـل (سـال، مـاه، روز) همان جا بایستد اما از جلوی (نمازگزار) عبور نکند».

## آزار دادن نمازگزار با بوی پیاز و سیر

«مَن أَكَلَ البَصَلَ وَ الثُّومَ و الكُرَّاثَ فَلا یُقرِبَنَّ مَسجِدَنا فَـإِنَّ المَلائِكَـةَ تَتَأَذّى مِمَّا یَتَأَذّى مِنهُ بَنو آدَمَ».

«هر کس پیاز، سیر و تره فرنگی بخورد قطعاً به مسـجد مـا وارد نشود. زیرا هر آن چه انسان را مـی‌آزارد فرشـتگان نیـز از آن آزرده می‌گردند».

## آداب نوشیدن

«نَهَى رَسُولُ اللهِﷺ عَنِ الشُّربِ مِن فَمِ القِرَبَةِ او السِّقاءِ».

«رسول خداﷺ از آشامیدن از سر مشک یا ظرف آب نهی فرموده است».

«زَجَرَ النَّبِيُّﷺ عَنِ الشُّربِ قَائِماً».

«رسول خداﷺ از آشامیدن در حالت ایستاده نهی کرده است».

## نوشیدن با دست چپ

«لا يَأكُلَنَّ أَحَدٌ مِنكُم بِشِمالِهِ وَ لا يَشرِبَنَّ بِها فَإِنَّ الشَّيطانَ يَأكُلُ بِشِمالِهِ وَ يَشرَبُ بِها».

«البته از خوردن و نوشیدن با دست چپ بپرهیزید، چرا که شیطان با دست چپ می‌خورد و می‌نوشد».

## قطع صله‌ی خویشاوندی

«لا يَدْخُلُ الـجَنَّةَ قاطِعٌ».

«کسی که صله‌ی خویشاوندی را ترک کند وارد بهشت نمی‌شود».

«مَا مِن ذَنبٍ أجْدَرُ أنْ يُعَجِّلَ اللهُ لِصاحِبِه العُقوبَةَ فِي الدُّنيا مَعَ ما يَدَّخِرُ لَهُ فِي الآخِرَةِ مِن قَطِيعَةِ الرَّحمِ و الخيانَةِ و الكِذبِ، و إنَّ أعْجَلَ البِرِّ ثواباً لَصِلَةُ الرَّحِمِ حَتّى إنَّ أهلَ البيتِ لَيَكُونُونَ فَجَرَةً فَتنمُو

أَمْوَالُـهُمْ و يَكْثُرُ عَدَدُهُمْ إذا تَوَاصَلُوا».

«هیچ گناهی نمی‌تواند برای صاحبش عقوبت دنیا و آخـرت را بیاورد، همان‌گونه که قطع صله‌ی رحم و خیانت و دروغ بـه همـراه می‌آورد. و در میان همه‌ی نیکی‌ها صله‌ی رحم زودتـر پـاداش داده می‌شود تا آن‌جا که گاه افراد خانواده‌ای تبهکار هستند اما بـه سـبب صله‌ی رحم میان آنان، اموالشان زیاد مـی‌شـود و تعدادشـان افـزون می‌گردد.

### بخل ورزیدن در صلوات فرستادن بر رسول اکرمﷺ

«رَغِمَ أنفُ رَجلٍ ذُكِرتُ عِندَهُ فَلَمْ يُصَلِّ عَلَيَّ».

«ناخرسند شود! کسی که من نزد او ذکر شوم و او بـر مـن درود (صلوات) نفرستد».

«البَخِيلُ مَن ذُكِرتُ عِندَهُ فَلَمْ يُصَلِّ عَلَيَّ».

«بخیل کسی است که مـن نـزد او یـاد شـوم و او بـر مـن درود (صلوات) نفرستد».

### سخن ناشایست

«إنَّ أبغَضَكُم إلَيَّ وَ أبعَـدَكُم مِنِّـي مَجلِسـاً يَـومَ القيامَـةِ الثَّرثـارُونَ و الـمُتَشَدِّقونَ و المُتَفيهِقُونَ».

«منفـورترین و دورتـرین شـما نسـبت بـه مـن در روز قیامـت یاوه‌گویان و پرگویان (که متکبرانه سخن می‌گویند) و متکبران هستند».

## نگهداری سگ

**«مَن اقتَنی کلباً إلا کَلَبَ صَیدٍ او ماشِیةٍ فَإنَّهُ یَنقُصُ مِن أجرِهِ کُلَّ یَومٍ قِیراطانِ».**

«هر کس به جز سگ شکاری یا سگ مخصوص گله، سگی را نگه دارد هر روز به اندازه‌ی دو قیراط[1] از اجر و پاداش او کم می‌شود».

## آزار دادن حیوانات

**«عُذِّبَتْ امرأةٌ فِي هِرَّةٍ سَجَنَتْها حَتّی ماتَت فَدَخَلَتْ فِیها النّارَ».**

«زنی به خاطر گربه‌ای که زندانی کرده بود تا (از گرسنگی) مرد وارد آتش جهنم شد».

**«لا تَتَّخِذوا شیئاً فیهِ الرُّوحُ عَرَضاً».**

«به جانداران سوء قصد نکنید».

## تصویر

**«إنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَذَاباً یَوْمَ القِیامَةِ المُصَوِّرونَ».**

«در روز قیامت عذاب تصویرگران از همه مردمان شدیدتر است».

**«لا تَدْخُلُ المَلائِکةُ بَیتاً فِیهِ کَلبٌ وَ لا صَورَةٌ»**

«فرشتگان در خانه‌ای که سگ و تصویر وجود دارند وارد نمی‌شوند».

---

۱. در احادیث آمده که کوچک‌ترین اجر آن به اندازه‌ی کوه احد است.

## دشمنی با دوستان خداوند متعال

«انَّ الله قال: مَن عادَی لي وَلياً فَقَدْ آذَنتُهُ بِالحَرب».

«هر کس با ولی و دوست من (بنده‌ی مؤمن من) دشمنی کند قطعاً من با او اعلام جنگ می‌کنم».

## کشتن پناهنده در سرزمین اسلامی

«مَنْ قَتَلَ نفساً مُعَاهَدَةً بِغَيرِ حَقِّها لَمْ يَجِدْ رائحةَ الجَنَّةِ وَ إنَّ رَيحَها لَيُوَجَدُ مِن مَسيرَةِ مائةِ عامٍ».

«هر کس شخص معاهدی (کسی که در سرزمین اسلامی پناهنده شده) را به ناحقّ بکشد بوی بهشت به مشامش نمی‌رسد. به طوری که بوی بهشت از مسافت صد سال به مشام می‌رسد».

## محروم کردن وارث از ارث

«مَنْ قَطَعَ مِيراثَ وَارِثِهِ؛ قَطَعَ اللهُ مِيراثَهُ مِنَ الجَنَّةِ يَومَ القيامَةِ».

«هر کس که وارثان را از میراث باز دارد، (ارث به وارثان ندهد) خداوند بهره‌ی او را از بهشت در روز قیامت قطع می‌کند».

## نحوست گناهان

«خَمسٌ إذا ابتُلِيتُم بِهِنَّ وَ أَعُوذُ بِالله أنْ تُدرِكُوهُنَّ؛ لَمْ تَظهَر الفاحِشَةُ في قَومٍ قطُّ حَتّي يُعلِنُوا بِها إلا مشا فِيهم الطاعونُ وَ الأوجاعُ التّي لَم تكُن مَضَت في أسْلافِهم الذّين مَضَوا، وَ لَمْ يَنقُصوا الميكالَ و الميزانَ إلاّ أُخِذُوا

بالسّنینَ وَ شِدَّةِ المَئونَةِ وَ جَورِ السّلطان عَلیهم وَ لَمْ یَمْنَعُوا زَکاةَ أموالِهِم إلاّ مُنِعُوا القطرَ مِن السماءِ وَ لولا البهائمُ لَم یُمطِروا وَ لَمْ یَنقُضُوا عَهدَ الله وَ عَهدَ رَسولِهِ إلاّ سَلَّطَ اللهُ عَلَیهم عَدُوّاً مِن غَیرِهم فَأخذوا بعضَ ما في أیدِیهم، و ما لَم تَحکُمْ ائمَّتُهُمْ بِکِتابِ اللهِ وَ یَتَخَیَّروا مِمَّا أنزَلَ اللهُ إلاّ جَعَلَ اللهُ بَأسَهُمْ بَینَهُمْ».

«پنج گناه است که نابودتان می‌کند اگر گرفتار آن‌ها شوید و به خدا پناه می‌برم که گرفتار آن‌ها شوید: هر گاه گناهان بزرگ به صورت آشکارا در قومی پدیدار شوند، طاعون و بیماری‌هایی که در گذشتگان آنان نبوده است، میان آنان رایج می‌شود. و هر گاه در پیمانه‌ها و ترازوها خیانت کنند دچار قحطی و خشکسالی و ستم سلاطین می‌شوند. و هرگاه از پرداخت زکات خودداری کنند از باران محروم می‌شوند و اگر حیوانات نبودند بر آن‌ها باران نمی‌بارید و هرگاه پیمانی را که با خداوند متعال و رسول خداﷺ بسته‌اند، بشکنند پروردگار دشمنی از غیر خودشان را بر آنان چیره می‌گرداند و قسمتی از اموال آن‌ها را می‌گیرد. و هر گاه پیشوایان آنان به کتاب خدا حکم نکنند و آن چه را که خداوند متعال به آن حکم کرده برنگزینند، خداوند متعال میان آن‌ها دشمن برپا می‌کند».

## سخن آخر

هر فردی که رستگاری دنیا و آخرت را بخواهد باید از مرتکب شدن به گناه دوری گزیند و عواقب ناگوار آن را مدّ نظر داشته باشد، که این رستگاری در سایه‌ی ترک گناه و طلب مغفرت از خداوند متعال به دست می‌آید.

ابن‌جوزی رحمه الله می‌گوید:[۱] شایسته‌ی هر انسان هوشیار و متدینی است که از عواقب ناگوار گناهان برحذر باشد، چرا که بین آدمی و بین خداوند متعال هیچ‌گونه قرابتی وجود ندارد و خداوند با عدل و داد در بین بندگان خود حکم می‌کند هر چند که صبر و بردباری پروردگار در مقابل گناهانی که بندگانش مرتکب می‌شوند بیشتر است اگر بخواهد، انسان را مورد رحمت خویش قرار می‌دهد اما در هر شرایطی انسان باید از مرتکب شدن به گناه دوری گزیند.

به خاطر اهمیت موضوع و شکوای مردم از بی‌رحمی و بی‌عاطفگی و بی‌برکتی و وسوسه‌های شیاطین که همگی از شومی گناه نشأت می‌گیرد بر خود لازم دانستم که موضوعاتی در این مورد تألیف کنم. اگر خطا و اشتباهی مشاهده نمودید از طرف بنده‌ی حقیر می‌باشد. از خداوند می‌خواهم که ما را مورد مغفرت خویش قرار دهد.

والحمد الله رب العالمين

محرم ۱٤۲۱هـ

ابومحمد عبدالله‌بن محمدبن عبدالرحمان السدحان

۱. صیدالخاطر ابن جوزی، ص۱۳۲.

# شـــوم گناه

## و اثرات آن در زنـدگـی

مانند قدم‌هایی که بر برف می‌گذاری، بر جان اثر دارد و جای پاهای چرکین و آلوده‌اش را بر جا می‌گذارد.
مانند دست‌هایی زمخت و بی‌احساس بر برگ گل، قلب را می‌خراشد،مانند باری بسیار سنگین، بر دوش روح قرار می‌گیرد و شانه‌هایش را خم می‌کند، این است تصویری از گناه و هزار بار بیش از این منظره، زشت‌تر و آلـوده‌تر است. پس: نکن. در یـک کلام، گناه، شوم است.
اما نترس؛ گناه با ایـن همه ظاهـر زمخت و هیبت قلابی، مانند سیـاهی شب تاریـک است که با یک شعله‌ی کوچک، همه‌ی ابهتش در هم می‌شکند.
اگر گناه کرده‌ای،
اگر، از شومی آن در امان نمانده‌ای
اگر می‌خواهی از تاریکی و ظلمت آن رها گردی،
شعله‌ی توبه را بر افروز و از شب به روز گام بگذار.

ناشر

ISBN 600684031-6





انتشارات آراس

طراح جلد: شعیب مکتب داری 0919 723 0133